



انترناسیونال ۴۲۴

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن

اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۶ آبان ۱۳۹۰، ۲۸ اکتبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

پنجم نوامبر: روز جهانی اعتراض برای آزادی کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در ایران! صفحه ۹



Free Them Now

پیشروی اسلامی ها در

منطقه گذراست

کاظم نیکخواه



دو سوال از حمید تقوایی

درمورد لیبیائیزه کردن ایران و قتل قذافی

حمید تقوایی: سخنان کلینتون و عکس العمل جریانات ملی اسلامی ادامه سیاست همیشگی این نیروها در شرایط تازه است. عبارت دیگر نه سخنان کلینتون نکته تازه ای در بر

جمهوری اسلامی باید از "جامعه جهانی" کمک بخواهند، از جانب برخی جریانات ملی اسلامی، لیبیائیزه کردن ایران خوانده شده است. نظر شما چیست؟

انترناسیونال: صحبت های کلینتون در تلویزیون بی بی سی فارسی و صدای آمریکا مبنی بر اینکه مردم ایران در مبارزه با

داشت و نه عکس العمل ملی صفحه ۴

جنایات در حق زنان خونم را بجوش می آورد

گفتگو با کیوان جاوید در یکسالگی نشریه علیه تبعیض

حاکم بر ایران، هم آگاهگری و هم نیرو بسیج کنم. بدون کمترین توهمی میدانستم در این راه نمی توانم به صفحه ۳

را با رفقایم در میان گذاشتم. گفتیم می خواهم این ستم غیر قابل چشم پوشی را در حد توانم منعکس کرده و برای مبارزه با این بربریت اسلامی

در آوردن يك نشریه در رابطه با زنان افتادگی؟ کیوان جاوید: درست است يك سال پیش دل به دریا زدم و تصمیم

کاظم نیکخواه: کیوان جاوید علیه تبعیض يك ساله شد. تا آنجا که اطلاع دارم با استقبال خوبی هم مواجه شده. چرا به فکر

مصر کارگران آن مصر قدیم نیست

احمد فاطمی

تاثیری که یکشنبه بر مردم و فرهنگشان دارند چه گفته اند؟ ۹ ماه پیش کتک زدن يك کارگر در هیچ یادتان هست که در مورد انقلابات و صفحه ۸

روز شنبه ۲۲ اکتبر يك افسر ارتش مصر يك کارگر را کتک زد. یادتان هست که در مورد انقلابات و

فشار بر روی دانشجویان دختر تحت عنوان "بدحجابی" و اسلامی کردن دانشگاه، تلاش کرد فضای اعتراض در دانشگاهها را عقب براند. برای اجرای این طرح ها محیط دانشگاهها هر روز امنیتی تر شده و دست اندازی های کمیته

شهرلا دانشفر يك ماه از آغاز سال تحصیلی جدید میگردد و دانشگاهها در جنب و جوش اعتراضی هر روزه بسر میبرند. جمهوری اسلامی از آغاز سال جدید با شدت دادن به اجرای طرح تفکیک جنسیتی و

در مورد حزب کمونیست کارگری

متن کوتاه شده گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه

صفحه ۱۲

بازتاب هفته

معضل کمبود زنان با حجاب در خیابانها

شهرلا دانشفر

پرونده ترور سفیر عربستان و نگرانی رژیم

قتل قذافی و چالش های آینده در لیبی

بهرز مهرآبادی

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

صفحات ۵-۶

دست اسلام سیاسی و زن ستیزی از زندگی مردم لیبی کوناها!

صفحه ۳

صفحات دیگر

گزارشی از جلسه گفت و شنود با رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در شهر فرانکفورت آلمان!

صفحه ۸

قطعهنامه شواری اتحادیه کارگران ونگور در حمایت از

۵ نوامبر روز همبستگی جهانی با کارگران ایران

صفحه ۱۰

برخی از دست نوشته ها و آثار منصور حکمت،

منتشر شد!

صفحه ۴

نتیجه انتخابات نمایندگان مجلس موسسان تونس در یکشنبه گذشته (۲۳ اکتبر) سوالات جدی ای را مقابل انقلاب تونس و "بهار عرب" گذارد. نتیجه این انتخابات نشان میدهد که حزب اسلامی "النهضة" بالاترین آرا یعنی حدود ۴۰ درصد را به خود اختصاص داده است. با پیش افتادن این جریان اسلامی خیلی ها به نظر میرسند شوکه شدند و خیلی ها میپرسند بازهم اسلامی ها؟ آیا قرار نیست تغییری جدی در این منطقه صورت گیرد؟ اینها چه نوع اسلامی را نمایندگی میکنند؟ نوع طالبان و جمهوری اسلامی ایران؟ یا نوع ترکیه؟ مشخصه نظام سیاسی آینده این کشورها و مشخصا تونس که طلایه دار انقلابات منطقه بوده چه خواهد بود؟ آیا مصر هم به همین مسیر گام خواهد گذارد؟ آیا این مسیر شکست این انقلابات است؟

قرار است نتیجه قطعی انتخابات امروز پنجشنبه ۲۷ اکتبر اعلام شود. اما تغییری اساسی از پیش بینی های قبلی را نمیشود انتظار داشت. این انتخابات ۲۱۷ نماینده مجلس موسسان را تعیین میکنند. و این مجلس قرار است يك حکومت موقت را تعیین نماید، و طی حدود يك سال قانون اساسی جدید تونس را تعریف و تصویب کند. و در اواخر سال ۲۰۱۲ یا اوایل سال ۲۰۱۳ انتخابات تازه ای برگزار شود که ترکیب

صفحه ۲

پیشروی اسلامی‌ها در منطقه ...

مجلس و دولت آینده را تعیین مینمایند. اما فقط انتخابات تونس نیست که نگرانی‌ها را دامن زده است. در لیبی نیز مصطفی عبدالجلیل رئیس شورای انتقالی لیبی در سخنانی گفت که "شریعت اسلامی منبع قوانین لیبی خواهد بود." و در این رابطه به تغییراتی از جمله بازگرداندن چند همسری و "بانکداری بدون بهره" را وعده داد.

قابل پیش بینی بود

نگرانی از دست بالا پیدا کردن جریانات اسلامی کاملاً قابل فهم و بجاست. در تونس و مصر و لیبی این جریانات ادعا میکنند که از نوع جمهوری اسلامی و طالبان نیستند. اطمینان میدهند که ضد غرب نیستند. میانه رو هستند و با جریانات سکولار و چپ سر جنگ ندارند و خود را چیزی شبیه اسلامی‌های ترکیه معرفی میکنند. بعداً به این جنبه‌ها اشاره میکنم. اما اینها هرچه باشند بعد از انقلاباتی که اسلامی‌ها در آن نقشی نداشته‌اند و حتی بصورت مانعی بر سر راه آن عمل کرده‌اند، و انقلاباتی که با جنبش مدرن جوانان شروع شده و مردم خواهان آزادی و رفاه و شادی را به میدان آورده‌اند، اکنون پیدا شدن سروکله‌آخوند و گرایش‌های کبک زده اسلامی در جلوی صحنه از نظر هر انسان معمولی و بویژه همان جوانان از خود گذشته‌ای که در مصر و تونس و لیبی انقلاب را تا سرنگونی دیکتاتورهای به پیش بردند، عصبانی کننده و نگران کننده است.

اما آنچه باید توجه کرد اینست که با توجه به خیلی فاکتورها میشد پیش بینی کرد که چنین اتفاقی به احتمال زیاد خواهد افتاد. سازمانهای اسلامی در کشورهای اسلام زده حتی آنجا که زیر فشار و در اپوزیسیون هستند، تنها نیروهایی هستند که اجازه فعالیت متشکل را بدرجه ای داشته‌اند. هم در ایران زمان دیکتاتوری پهلوی اینگونه بود، هم در رژیم مبارک اخوان المسلمین به طور غیر رسمی سازمان و دم دستگام مجاز خود را داشتند، و هم بدرجه کمتری در تونس که حکومت

از صفحه ۱

بن علی خود را سکولار و ضد مذهب مینامید این فضا برای اسلامی‌ها وجود داشت که مسجد و تکایا و سازمانهای خود را داشته باشند. بهررو اسلامی‌ها در همه این کشورها تاریخی طولانی دارند، سازمان یافته‌اند، سنتهای بسیج توده‌ای ویژه خود را دارند، از پول و امکانات داخلی و بین المللی وسیعی برخوردارند، و در نتیجه با هر خلا قدرتی بویژه وقتی که صف انقلاب سازمان و رهبری شناخته شده خود را ندارد، اولین جریانی هستند که این امکان را دارند که جلو بپرند و کنترل اوضاع را بدرجات مختلفی در دست بگیرند. ما در این نشریه و در جاهای دیگری این را در همان اوان انقلابات منطقه گفته بودیم که در کوتاه مدت اسلامی‌ها علیرغم حاشیه‌ای بودنشان در انقلابات، شانس این را دارند که به میزان متفاوتی نقش نسبتاً محوری را در آینده ایفا کنند.

اینجا هم میخواهم بر همین "کوتاه مدت" تاکید کنم. طبعاً پیش بینی تحولات اجتماعی از نظر زمانی امکان پذیر نیست. اما میتوان گفت که جلو آمدن جریانات اسلامی در تونس و اعیاناً در مصر بهیچ وجه پایان ماجرا نیست. بلکه بخشی از جدال جاری انقلاب و ضد انقلاب است و جامعه آنرا کمابیش به همینگونه می بیند. اینها جریاناتی هستند که از ابتدا مانع انقلابات بوده‌اند. خواهان حفظ وضع و نظام موجودند و تمام تلاششان اینست که نگذارند تغییر و تحولی جدی در وضعیت اجتماعی و سیاسی این کشورها صورت گیرد. و در برابر آنها میلیونها جوانان و کارگران و مردمی هستند که میخواهند کشورهای به اصطلاح عربی یا اسلام زده را از ارتجاع و سرکوب سیاسی خلاص کنند. میخواهند جامعه ای آزاد و مدرن و مرفه را پایه ریزی کنند و اینها هستند که صف انقلاب را میسازند. آنچه تا اینجا بطور مشخص مهم است اینست که بورژوازی نتوانست در جریان انقلاب تونس و مصر، برای این انقلابات مثل انقلاب ۵۷ ایران رهبر بترشد،

نتوانستند انقلاب را در مرحله تعیین کنند آن که سرنگونی دیکتاتورها بود، به بیراهه بکشند و کنترل و مهار کنند. و در نتیجه جنبش اسلامی هیچ "مشروعیت انقلابی" ای ندارد. برعکس اینها بدهکار انقلابند. زیر فشار انقلابند. و از نظر اجتماعی و در انتظار توده مردم نمیتوانند بعنوان مثلاً "صاحبان اصلی انقلاب" در برابر کارگران و جوانان و زنان و مردمی که تحولات اساسی را دنبال میکنند بایستند. یک نکته دیگر اینست که کلاً در سطح بین المللی اسلام سیاسی وارد دوره افول خود شده است. وضعیت جمهوری اسلامی در ایران، مرگ بن لادن و بن بست تروریسم اسلامی، و بسیاری عوامل دیگر این جنبش را وارد دوره سرازیری خود کرده است. با توجه به همه اینها میتوان با اطمینان بالایی گفت که جدال ادامه می یابد و جریانات اسلامی اگر بخواهند در قدرت باقی بمانند و نقش ارتجاعی خود را ایفا کنند، ناچارند دقیقاً بعنوان ضد انقلاب یعنی مثل "شورای نظامیان در مصر" در مقابل انقلاب ظاهر شوند. این اتفاقی است که عملاً تا کنون در مصر افتاده است. جریان اخوان المسلمین تا اینجا در انتظار بخش وسیعی از مردم بعنوان ضد انقلاب ظاهر شده است. با رژیم مبارک دست داده است، با معاونش عمر سلیمان نشست و برخاست و مذاکره کرده است، با ژنرالهای ارتش همکاری کرده است، و الان هم میخواهد با یک انتخابات سریع سروته ماجرا را هم آورد و مردم را به خانه بفرستد. به همین دلیل بنظر میرسد اخوان المسلمین مصر نسبت به جریان اسلامی نهضت در تونس شانس بسیار کمتری دارد که نقش تعیین کننده ای در اوضاع سیاسی ایفا کند. در لیبی به دلیل روند ویژه اوضاع که از شکل انقلاب خارج شد و حالت جنگ گسترده با دخالت فعال ناتو را به خود گرفت، اوضاع بسیار متفاوت است و عملاً یک جریان ارتجاعی بورژوازی بعنوان رهبر انقلاب و سرنگونی دست بالا پیدا کرده است. اما اولاً این شورای انتقالی یک دست نیست و از نیروها و گرایشات بسیار متفاوتی تشکیل میشود و ثانیاً سرنوشت این جریان

هم بستگی به سرنوشت جریان انقلابات در مصر و تونس و سوریه خواهد داشت. طبعاً سیر اوضاع به نقش و فعالیت دو طرف جدال یعنی صف انقلاب و ضد انقلاب بستگی دارد. اما تحلیلاً میتوان گفت که در یک جامعه ای که با انتظارات بالایی دست به انقلاب زده است، اسلامی‌ها شانس زیادی برای کنترل درازمدت اوضاع را ندارند. جامعه ای که انقلاب کرده است توقعات بالایی دارد. و نیرویی که بخواهد این توقعات را عقب براند، باید مجوزش را یا از انقلاب بگیرد یا قدرت ضد انقلابی بسیار عظیمی داشته باشد. جریانات اسلامی در مصر و تونس علیرغم حمایتهایی که بورژوازی بین المللی از آنها میکند و خواهد کرد هیچکدام از این دو را فی الحال ندارند. کارگران در مصر تا کنون دست به اعتصابات متعددی زده‌اند و بر حق تشکل و افزایش دستمزدها و برخی حقوق پایه ای دیگر خود تاکید کرده‌اند. جوانان در صوفی میلیونی یک جنبش مدرن و سکولار را نمایندگی میکنند و با حق بجایی جدی ای جلوی جنبش اسلامی ایستاده‌اند. جنبش زنان در هردوی کشورهای مصر و تونس قدرتمند است. و بسیاری از عوامل دیگر را نیز میتوان بر شمرده که این ارزیابی را

قوت میبخشد که در میان مدت جامعه از جریان اسلامی عبور خواهد کرد. و آنها را عقب خواهد راند و به دوره میدان داری و یک تازی اسلامی‌ها و جریانات ارتجاعی بورژوازی بطور قطع پایان خواهد داد. اینکه اینها هم امروز خود را "میانه رو" و طرفدار غرب و مشابه ترکیه معرفی میکنند، بیش از آنکه نشان دهنده خصوصیت واقعی آنها باشد، نشانه همین موقعیت شکننده آنهاست. همین یک نمونه که رئیس شورای انتقالی لیبی "در قدم اول به فکر قانونی کردن چند همسری (طبعاً برای مردان) افتاده نشان میدهد که اینها با طالبان و جمهوری اسلامی چقدر تفاوت دارند. همانگونه که اشاره شد، عقب راندن کامل ارتجاع کبک زده اسلامی به نقش فعال نیروهای چپ و سکولار و کارگری بستگی جدی دارد. این جریانات باید از این تحولات بیاموزند، خود را سریعاً سازمان دهند و پلانتفرمهای روشنی را جلوی جامعه قرار دهند و نیروهای اجتماعی را به میدان بکشند. شاید یک نتیجه سربرآوردن اسلامی‌ها در این کشورها این باشد که صف چپ و انقلاب و آزادیخواهی خود را هرچه سریعتر متشکل و فرموله کند و گامی اساسی به پیش بردارد.*

شرکت کادر ها و اعضای حزب کمونیست کارگری تشکیلات شرق کانادا شنبه ۲۲ اکتبر در تظاهراتی که در این روز توسط جنبش اشغال در تورنتو برگزار شد



نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!

جنایات در حق زنان خونم را ...

از صفحه ۱

دوم همه رفقا و دوستانم را ترغیب کنم حول نشریه بسیج شوند، پر بار ترش کنند و امکانی بوجود بیاورند تا تعداد بیشتری با نشریه مرتبط شوند.

سؤال کردید چرا تصمیم به انتشار چنین نشریه ای گرفته ام. اولاً بخاطر همه افراد زن خانواده ام و بخاطر دختران و زنانی که از نزدیک با آنها زندگی کردم و شاهد این بوده ام که چگونه زندگی آنها بعنوان زن تنبیه شده است. وقتی می بینم زنان در ایران چگونه اسیر دست يك حکومت پست و زن ستیز شده اند نمی توانم این ستم مضاعف را نادیده بگیرم. همه جنایات شخصی و دولتی در حق زنان خونم را بجوش می آورد. به این دلایل گفتم باید کاری کنم تا صدای این زنان باشم. زنانی که با زندگی متفاوت خود پدر اسلام و حکومت اسلامی را در می آورند، شایسته بهترین پشتیبانی اند. در ضمن دنیا بدون زنان دنیای بی خاصیتی خواهد شد. خواستم "در جهت درست تاریخ" قدم بردارم.

ك:ن: يك کمی گفتمی اما يك کمی بیشتر توضیح بده که چه هدفی را دنبال میکنی. منظورم اینست که با این نشریه چه چیزی را نشانه گرفته ای که اگر به آن برسی خودت را موفق ارزیابی میکنی.

کیوان جاوید: با این نشریه می خواهم عمیق ترین نقد را روی

تنهایی به جانی برسم. به این دلیل با هر شماره "تبلیغ و ترویج" و "التماس" کردم کمک کنید تا نشریه، صدای زنانی باشد که در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی زندگی بر آنها حرام شده است. در ایران دوستان زیادی با نشریه همکاری می کنند. - که این همکاری البته هنر من نیست و رفقای دیگری زحمت این کار را کشیده اند. نشریه را پخش می کنند و جمع های متعددی حول نشریه تشکیل شده است. آدم های جور واجوری نشریه را می خوانند و پخش می کنند. در فیس بوک هم مورد توجه قرار گرفته است. جدیداً یکی از من همه شماره های موجود را طلب کرده است تا در ایران منتشر کند. طی این يك سال ۸۰۰ ایمیل آدرس جدید به تعداد آدرس های قبلی من نیز اضافه شده است. یا بطور مثال دوستی از ایران می گفت که مادر خیاطم هر شماره نشریه را کپی و به مشتریاناش میدهد. با همه اینها هنوز خیلی مانده است که بگویم بقول شما استقبال خوبی شده است. من باور دارم که این نشریه می تواند روی میز همه زنان ایرانی قرار بگیرد. می تواند نشریه ای باشد که زنان بگویند حرف دل ما را منعکس می کند. هنوز به آنجا نرسیده ایم. راستش با وقت من و با مشغله های گوناگون من امید ندارم که بتوانم همه انتظاراتم را در ایران و حتی خارج از ایران برآورده کنم اما می خواهم و تلاش می کنم در شروع سال

مردسالاری و مذهب و حکومت اسلامی بگذارم. دوست دارم بتوانم توجه هر چه بیشتری از جوانان، دختر و پسر را به این امر جلب کنم که برابری بین زن و مرد را عمیقاً در زندگی خصوصی و اجتماعی خود بکار بگیرند. دوست دارم مبارزه لحظه به لحظه زنان علیه حکومت اسلامی مورد بیشترین توجه ها قرار بگیرد. البته هدفم این است که تعداد بیشتری از زنان برابری طلب آستین بالا بزنند و کار متشکل کنند تا صدای مقاومت و مبارزه زنان هر چه وسیع تر در ایران و جهان منعکس شود.

ك:ن: همیشه در مورد سبک نگارش نشریه که يك مقداری ویژه است يك کمی توضیح بدهی. چی شد که به این سبک کار رسیدی؟

کیوان جاوید: ویژه است؟ آره درست می گویند، به طور هائی ویژه است. چون من دوست دارم بی واسطه حرف بزنم. کوتاه بنویسم و در کوتاه ترین زمان به خواننده بگویم به چه نقد دارم و می خواهم چه چیزی را نقد و افشا کنم. بیشتر صفحات نشریه خبر است. سعی کرده ام خبر ها را به صورت کامنت های کوتاه جواب بدهم. در مواقعی هم لازم ندیدم در مورد موضوعی اظهار نظر کنم. چون خود خبر به اندازه کافی روشن است. بنظر من دنیا به سمت کوتاه نویسی پیش می رود. بیاد داشته باشم نشریه علیه تبعیض قصد ندارد کار تئوریک انجام بدهد. مقالات بلند به درد نشریاتی می خورد که چنین وظیفه ای برای خود

پیش مورد بازخواست و تعرض افکار عمومی جهان قرار گیرند. گویا باید مجدداً این نکته بديهی را به یاد ایشان آورد که اسلام سیاسی خوب و بد ندارد. چه نوع "خوش خیم" و چه نوع غرب ستیز اسلام سیاسی جریان‌ی ارتجاعی، ضد زن و ضد آزادی است.

حزب کمونیست کارگری مردم آزاده ایران و سراسر جهان را فرامیخواند تا اظهارات شرم آور رئیس "شورای ملی انتقالی" و تلاش برای برقراری حاکمیت اسلامی در لیبی و همچنین مامشات دول غربی با اسلام سیاسی را قاطعانه محکوم کنند و از جدایی کامل مذهب از

نشریه علیه تبعیض یکساله شد



دوست نویسنده خواستم روی يك خبر در نظر گرفته اند.

راستش خودم بقول معروف خوره کتابم. اما مقالات بلند سیاسی را آنچنان سریع می خوانم که وقتم تلف نشود. وقت مهم است. در دنیائی که هر ثانیه با اخبار و نظر بمباران می شویم، در عصر انفجار اطلاعات معمولاً آدم ها دوست دارند فوراً بفهمند منظور طرف چیست. اگر طول بدهی مقاله و نوشته ات را ول می کنند و سراغ کار دیگری می روند. مثل همین مصاحبه بلند من که اطمینان دارم خیلی ها تا انتها آن را نمی خوانند. چون با سبک خودم هم جور در نمی آید!

ك:ن: مرسی از شرکتت در این گفتگو و با امید موفقیت های بسیار کیوان جاوید: ممنون که چنین وقتی به من دادید.*

کوتاه نوشتن به شیوه کامنت البته راحت هم نیست. روزی از يك دولت، برابری بی قید و شرط زن و مرد، برقراری همه آزادی های فردی و مدنی و حاکمیت مستقیم و بلافصل همه شهروندان در لیبی حمایت کنند.

کوتاه نوشتن به شیوه کامنت البته راحت هم نیست. روزی از يك دولت، برابری بی قید و شرط زن و مرد، برقراری همه آزادی های فردی و مدنی و حاکمیت مستقیم و بلافصل همه شهروندان در لیبی حمایت کنند.

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!



برای دریافت و سفارش کتاب با آدرسها و شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

نروژ (اسلو):

داریوش نیکنام، تلفن:

004792062541

dniknam@online.no

غفار غلام ویسی، تلفن:

004740851738

ghafar.gholamveysi@gmail.com

سوئد، استکهلم:

آوات شریفی

تلفن:

0046736134146

ایمیل:

avatsharifi@yahoo.se

گوتنبرگ:

عبداله شریفی، تلفن:

0046704007620

ای میل:

abe_sharifi@yahoo.com

ای میل و شماره تلفن ادیتور

iraj.farzad@gmail.com

0046739555085

برخی از دست نوشته ها و آثار منصور حکمت، منتشر شد!

این کتاب ۳۵۰ صفحه ای، بخش زیادی از نامه ها و مکاتبات منصور حکمت در دوره قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران، فاصله ای از دوران فعالیت این حزب و نیز در دوره حزب کمونیست کارگری ایران را شامل میشود که برای اولین بار انتشار می یابند.

برای هر کسی که مشتاق است تا مراحل و مقاطع مختلف تاریخ کمونیسم ایران از دوران سال ۵۷ به بعد را بشناسد، برای هر کسی که میخواهد منشا و مبانی کمونیسم منصور حکمت را جستجو کند و برای هر کسی که میخواهد بر بنیانهائی که بر پایه آن ها، حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران بنا شد تعمق کند، این کتاب یک مرجع اصیل است. برای هر انسان جوئی حقیقت و طرفدار علم و تعقل که قصد دارد ریشه ها و نطفه های جدائی ها و تفاوتها و واگرائی های بعدی را رد یابی و متوجه شود؛ و پاسخ سوالات و ابهامات سیاسی و تئوریک و متدولوژیک و تاریخی خود را به روشن ترین صورت پیدا کند، این نامه ها و دست نویس ها، در کنار دیگر آثار منصور حکمت، منابع و ماخذ اورجینال و غیر قابل تحریف اند. در این کتاب بعلاوه از میان مهمترین و پایه ای ترین مباحث و مبانی کمونیسم کارگری چند اثر ماندگار را با اصلاح برخی اشتباهات انشائی و محتوائی که در ورژنهای موجود و منتشر شده موجوداند، مجدداً منتشر کرده ایم.

ایرج فرزاد

نمیکند. به نظر من مدیا و بعضی دولتمردان غربی این مساله را بزرگ میکنند تا اهداف خود را دنبال کنند و موضوعات اساسی تری را تحت الشعاع قرار بدهند. باید پرسید که اگر واقعا بحث بر سر اعدام يك اسیر است چرا همین رسانه ها در مورد قتل بن لادن - که خیلی سر راست و روشن مستقیماً بدست نیروهای آمریکائی صورت گرفت- يك دهم این جار و جنجال را براه نیانداختند؟ به نظر من پاسخ اینست که از قتل قذافی میتوان به محکوم کردن انقلاب و "خشونت" انقلاب و در مورد مشخص لیبی به ضرورت خلع سلاح فوری مردم رسید و بخش عمده نیروهائی که حول این مساله بحث و گفتگو میکنند یا مستقیماً به چنین نتایجی میرسند و یا بطور غیر مستقیم چنین "عبرت آموزی" هائی را القا میکنند.

از نظر منافع مردم و انقلاب لیبی بعد از مرگ قذافی توجه ها میباید قاعدتا به شورای انتقالی، ترکیب اعضایش و سیاستها و اهداف این شورا و غیره متمرکز شود. بقتل رساندن قذافی - حتی با فرض اینکه دستور آنرا شوری انتقالی داده باشد- باید در کنار همکاری و همراهی اعضا و مشخصاً رهبری شورا با رژیم قذافی قرار داده شود تا بتوان به ارزیابی و قضاوت واقعبینانه ای رسید. جرم رهبر شوری انتقالی قبل از اینکه بقتل رساندن قذافی باشد به قتل رساندن دهها مخالف قذافی است. ایشان در مقام وزیر دادگستری قذافی حکم اعدام ده ها نفر از مخالفین او را صادر کرده است. کسانی که در این میان موضوع کشته شدن قذافی را علم میکنند عملاً ماهیت و دامنه جرم و جنایت جانشینان قذافی را محدود و تحریف میکنند. مساله بسادگی اینست که در منطق ضد انقلاب اعدام قذافی بدست مردم "وحشی" و "انقلابیون خشن" صورت گرفته است و اعدامهای رژیم قذافی بدستور دولت و قانون و سیستم قضائی رسمی يك مملکت؛ و لذا محکوم کردن اولی میرمیت و ثقل و اهمیت سیاسی بسیار بیشتری دارد تا دومی. از نظر دولتها باید اعدام قذافی را بزرگ کرد تا بتوان در مورد سابقه رئیس حکومت انتقالی در همدستی و همکاری با جنایات قذافی هیچ نگفت. تا بتوان

حکومت اسلامی است تا نفس خود حمله.

در برابر این ترسند بزرگ کردن احتمال حمله نظامی به جمهوری اسلامی بمنظور تخفیف و یا توقف امر سرنگونی رژیم لازمست ما نیز یکبار دیگر بر سیاست همیشگی خود تاکید کنیم. راه جلوگیری از حمله نظامی آمریکا و دول غربی و راه خنثی کردن آن در شرایطی که چنین حمله ای صورت بگیرد تشدید مبارزه برای بزیب کشیدن جمهوری اسلامی است. ما معتقدیم سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلابی مردم و فراخواندن و بسیج توده مردم در این جهت تحت هیچ شرایطی نباید به موضوع ثانوی تبدیل بشود و تحت الشعاع مسائل دیگر قرار بگیرد.

انترناسیونال: درمورد قتل قذافی روایات مختلفی شکل گرفته است. اینکه توسط شورای انتقالی لیبی دستور قتل داده شده و دولت های غربی هم در این مساله دست دارند و یا اقدامی از پائین بوده و در کشاکش بین گروههای مختلف مسلح اتفاق افتاده است. قتل قذافی و این روایت ها کلا چه جایگاه سیاسی دارد و به چه هدفی قرار است خدمت کند؟

حمید تقوائی: روشن است که حزب ما در هر شرایطی با اعدام و یا کشتن اسرای جنگی - که مورد کشته شدن قذافی مصداق این دومی است- مخالف است. ما هم از نظر سیاسی و هم انسانی اعدام و کشتار را امری به ضرر مردم و انقلاب آنان به نفع ارتجاع و ضد انقلاب میدانیم. کافی است در جامعه قبح اعدام و کشتار انسانها - حتی ضد انقلابیون و ارتجاعی ترین افراد- بریزد تا به سرعت همین اسلحه را علیه مردم و انقلابیون بکار بگیرند.

در مورد قتل قذافی هم باید همین نکته را تاکید کرد اما کمتر کسی از این نقطه نظر به مساله پرداخته است. به نظر من سرو صدائی که در شرایط حاضر حول مساله قتل قذافی براه افتاده بر زمینه سیاسی دیگری و با اهداف متفاوتی صورت میگیرد. اینکه این امر بدستور شورای انتقالی صورت گرفته و یا يك اقدام خودسرانه بوده است فرق چندانی در مساله ایجاد

اسلامیها در قبال آن. آمریکا و کل غرب در قبال رژیم اسلامی همیشه سیاست کجدار و مریزی را دنبال کرده اند. سیاستی که میتوان آنرا در "اعمال فشار برای رسیدن به يك نقطه سازش مطلوب غرب" خلاصه کرد. تحریمهای اقتصادی و باز گذاشتن احتمال حمله نظامی - با تاکید مدام بر اینکه همه گزینه ها روی میز است- در کنار حمایت از "اصلاح و تغییر" رژیم اسلامی در جهت مطلوب دولتهای غربی و مذاکره و سازش در این جهت، دو جنبه مکمل چنین سیاستی است. در این مصاحبه هم خانم کلینتون صراحتاً میگوید هدف تحریمهای اقتصادی "تغییر رفتار رژیم ایران" است. طبعاً ملی اسلامیون که همیشه خواهان استحال و تغییر تدریجی رژیم بوده اند با این سیاست مشکلی ندارند. مشکل آنان کش دادن این "تغییر رفتار" تا سطح رژیم چنچ است. ازینرو همیشه برای این نیروها گفتن حمله نظامی و رژیم چنچ بهانه مناسبی برای دفاع از رژیم اسلامی بوده است. بویژه مشخصاً از زمانی که مساله پروژه هسته ای به يك موضوع کشمکش بین غرب و جمهوری اسلامی تبدیل شده، هر زمان بدلیلی موضوع حمله نظامی به جمهوری اسلامی بالا گرفته بخشی از اپوزیسیون راست - ملی

اسلامیون، برخی از نیروهای سلطنت طلب- جمهوریخواه، و حتی بعضی از نیروهائی که خود را چپ مینامند- اعلام کرده اند که در دفاع از "تمامیت ارضی" و یا "علیه امپریالیسم" و غیره تا اطلاع ثانوی مخالفت با رژیم و یا مبارزه برای سرنگونی آنرا متوقف میکنند و در برابر نیروهای مهاجم قرار نمیگیرند. هشدار امروز اینان در مورد لیبیائیزه کردن ایران نیز از سر همین دفاع از رژیم جمهوری اسلامی صورت میگیرد. دیروز به بهانه عراقیزه کردن ایران میخواستند جمهوری اسلامی را بمرمدم بفروشدند و امروز بهانه لیبیائیزه کردن ایران است. کلا در شرایط سیاسی ایران همیشه و بخصوص امروز- که به نظر من احتمال حمله نظامی کمتر از هر زمان دیگری است- خطر و مضرات حمله نظامی تا آنجا که بمنافع مردم مربوط میشود توجیه حفظ وضع موجود از جانب رژیم و اپوزیسیون

میخواهند مردم را به سرعت خلع سلاح کنند و با توسل به نوعی اسلام سیاسی "خوش خیم" و مورد قبول غرب سر انقلاب را ببرند. حتی نیروهائی که از سر مخالفت با اعدام همه چیز را میسنجند باید در کنار مردم مسلح و علیه اعدام کنندگان مردم در هیات شورای انتقالی قرار بگیرند.*





معضل کمبود زنان با حجاب در خیابانها

شهلا دانشفر

بله خاموشی با دیدن این واقعیت است که زبونانه سرش را به پشت دیوار خانه ها و حرمسراهاشان خم کرده و میگوید خدا را شکر که آنها محجبه هستند و در خانه اسیرشان کرده ایم. باید به ایشان خاطر نشان کرد که دور نیست که همان زنانی هم که اسیر آپارتاید جنسی این حکومتند، در زندانها را بشکنند و به جمعیت میلیونی خیابان، به جمعیت عظیمی که در خیابانها تردد دارند و حجابهایشان را برگرفته اند پیوندند. مورد دیگر از همین دست هذیان گویی ها، سخنان بهمن کارگر، معاون اجتماعی نیروی انتظامی است که طی اظهاراتی در ۴ آبانماه ضمن تاکید بر فعال تر شدن کمیته های انضباطی در مراکز آموزشی، در زمینه برخورد با "بی حجابی دختران"، خواستار اختصاص پارانه به چادر مشکی شد! او میگوید "لباس نامتعادل" با قیمت ارزان به میزان فراوان تولید و توزیع میشود، ایرادی ندارد که پارانه بدهند تا چادر مشکی ارزان شود. این حضرات با این اظهارات آشکارا دارند شکست سیاستهای سرکوب و جنایتشان را اعتراف میکنند. شکست اسلام و نظامشان را دارند اعلام میکنند. جنگ بر سر حجاب، جنگ سی و دوساله این مردم با حکومت جمهوری اسلامی است و سخنان خاموشی و بهمن کارگر از جمله بیان گوشه ای از پیروزی مردمی است که میروند تا تکلیف این رژیم را یکسره کنند.*

تائید قرار داده است. جمهوری اسلامی بدرستی تشخیص داده که قادر نیست هم در مقابل اعتراضات وسیع مردم ایستادگی کند و هم نگران تهدیدهای آمریکا و عربستان باشد. کنار آمدن با آمریکا و متحدانش و کرنش در مقابل آنان تنها راه حلی است که در مقابل رژیم باقی می ماند.

این روزها اظهارات جالبی از سوی مقامات مختلف حکومتی در زمینه حجاب و "بدحجابی" میشنویم. روز سه شنبه ۳ آبان خاموشی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در مراسم رونمایی از "دو پژوهش ملی دفتر پژوهشهای کاربردی سازمان تبلیغات اسلامی" با عنوان "پوشش و حجاب زنان ایران" و "دینداری و بزهکاری جوانان در ۱۰ استان ایران" میگوید: "برخی تصور میکنند شمار زنان محجبه کم است. در حالیکه تردد شهری زنان محجبه کمتر است. نه تعداد آنها." بله درست حدس زدید. این شخص دارد جواب این مساله را به صفوف نگران حکومت میدهد که چرا در سطح شهر تعداد زنان بی حجاب و "بدحجاب" زیاد شده و در حال افزایش است و زنان با پوشش اسلامی کمتر دیده میشوند. باید از خاموشی خواست که کمی هم در مورد آن فوج فوج زنانی که در خیابانها تردد دارند و باعث شده که بقول ایشان بعضی ها فکر کنند که شمار زنان محجبه کمتر است، سخن بگویند. در مورد جامعه ای که در آن جوانان آشکارا قوانین ارتجاعی اسلامی را زیر پا گذاشته و امروز دیگر بحث بر سر برداشتن حجابهاست، حرفی بزنند. از جمعیت میلیونی مردمی بگویند که حجابشان را کنار زده و به قوانین اسلامی گنبدیده حاکم نه گفته اند.

عربستان و پیام تسلیت احمدی نژاد به پادشاه این کشور که تفاوت فاحشی با لحن سران رژیم در سه ماه قبل داشت، نشان می دهد که تهدید آمریکا جدی گرفته شده است. این موضعگیری بدون تائید خامنه ای و باند او نیست. شریعتمداری سخنگوی غیر رسمی خامنه ای برای خالی نبودن عریضه انتقاد ملایمی را به لحن نامه احمدی نژاد مطرح ساخته ولی آن را مورد

جمهوری اسلامی متهم هستند که با همکاری با باندهای مواد مخدر آمریکای جنوبی قصد انجام این ترور را داشته اند. وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که در این مورد مدارک و شواهد زیادی وجود دارد و همچنین اعمال فشار های بیشتر به حکومت ایران و افزایش تحریم ها را وعده داد. هر چند جمهوری اسلامی دخالت خود را در طرح این ترور انکار کرده است اما تروریسم دولتی رژیم و ارتباط آن با قاچاق مواد مخدر در کشورهای مخدر دنیا امر تازه ای نیست و در این مورد پرونده های متعددی افشا شده است. با وجود اسناد و شواهد متعدد در این مورد دولت های آمریکا و اروپا در مقابل جمهوری اسلامی سکوت کرده اند، اما اینبار لحن مقامات آمریکایی تفاوت نموده و تهدید های خود را به جمهوری اسلامی شدید تر کرده است. جدا از اینکه آمریکا و غرب در تلاشند که حکومت اسلامی را در کشاکشهای اتمی و حمایت از جریان تروریستی زیر فشار جدی تری قرار دهند، يك دليل ديگر ميتواند اين باشد که تجربه تونس، مصر، لیبی، سوریه و انقلاب هایی که کشور های منطقه را در يك سال اخير در بر گرفت، آمریکا را نسبت به دوام و بقای جمهوری اسلامی ناامید ساخته است. تجربه جنبش عظیم سرنگونی طلبی در ایران در دو سه ساله اخير هم نشان داد که جامعه ایران آتشفشانى است که هر لحظه می تواند فوران کند و بساط حکومت ۳۱ ساله اسلامی را برچیند. این جنبش شکاف عظیمی در درون حکومت ایجاد کرد و آن را با شدید ترین بحران ها مواجه ساخت. آمریکا و متحدان اروپائی اش تلاش می کنند تا از به هم پاشیدگی و ضعف حکومت ایران حداکثر استفاده را ببرند و آن را مهار نمایند. اعلام خروج کامل نیروهای آمریکائی از عراق تا آخر سال جاری مطیع ساختن جمهوری اسلامی را ضروری تر می کند. از سوی دیگر آمریکا نمی خواهد با برآمد مجدد جنبش سرنگونی طلبی در ایران، شانس خود را در حفظ پایه های سرمایه داری در ایران از دست بدهد. فرستادن صالحی وزیر خارجه جمهوری اسلامی به ریاض برای شرکت در مراسم یادبود ولیعهد

بازتاب هفته

قتل قذافی و چالش های آینده در لیبی



بهروز مهر آبادی

معمّر قذافی دیکتاتور سابق لیبی و پسرش معتصم روز پنجشنبه گذشته پس از دستگیری به قتل رسیدند. پس از انتشار اخبار ضد و نقیض درباره دستگیری قذافی، مجروح شدن و انتقال او به بیمارستان، شورای انتقالی لیبی ادعا کرد که قذافی در حین نبرد کشته شده است. ولی خیلی زود تصاویر و فیلم هایی از او و پسرش که پس از دستگیری زنده بودند و همچنین صحنه هایی از آزار و ضرب و شتم قذافی و سپس تصاویری از اجساد آنها پس از اصابت چند گلوله منتشر گردید. روز یکشنبه اول آبان خبر از پیدا شدن جنازه ۵۳ نفر از هواداران قذافی در شهر سرت انتشار یافت و سازمان دیده بان حقوق بشر اعلام کرد که قتل عام این گروه توسط نیروهای دولت انتقالی که از شهر مصرانه عازم شده بودند، انجام شده است.

قتل فجیع قذافی و پسرش خطر بزرگی که انقلاب مردم لیبی را تهدید می کند، نشان داد. پس از انتشار صحنه های دستگیری، آزار و جنازه قذافی اعتراضات زیادی از طرف طرفداران حقوق بشر و نهاد های مختلف بین المللی صورت گرفت. قتل قذافی و پسرش زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین قوانین پذیرفته شده بین المللی درباره حقوق زندانیان است. سکوت شورای انتقالی لیبی، آمریکا و متحدانش در این باره را می توان حمایت عملی از این جنایت تعبیر کرد و آن را باید در کنار سخنان مصطفی عبدالجلیل رئیس کنونی "شورای انتقالی لیبی" و وزیر سابق دادگستری رژیم قذافی گذاشت که در روز یکشنبه اعلام نمود که قوانین شریعه مبنای قانونگزاری در لیبی خواهد بود و آزاد شدن چند همسری را

وعده داد. قتل قذافی زشت و غیر قابل قبول است به همان اندازه تلاشهایی که انجام می شود تا این قتل را به حساب جنبش مردم آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم لیبی و تخطئه انقلاب، بگذارد. انقلابی که برای رهایی از نابرابری، سرکوب و خفقان آغاز شد. از سوی دیگر شناختن قتل قذافی را نمی توان در لافه توطئه دولت های اروپائی و آمریکا برای مسانعت از محاکمه دوست سابق خود و جلوگیری از افشا شدن بند و بست ها و روابط پشت پرده، بیچاند. اسناد معاملات و همکاری با رژیم قذافی به اندازه ای هست که بسیاری از ساستگزاران و سران دولت های اروپائی و آمریکا را بتوان به خاطر آن، به محاکمه کشاند. این واقعه بیش از هر چیز اهمیت ندادن به جان و زندگی انسان ها و بی اعتنائی به ابتدائی ترین حقوق به رسمیت شناخته شده بشر در قرن حاضر را نشان داد. قتل عام قذافی و هوادارانش را می توان نشان قدرت و نفوذ سنت ها و قوانین اسلامی و قبیله ای در جامعه لیبی و خطر بزرگ آن برای انقلاب آریایی کرد. قدرتی که خود محصول دهها سال سلطه دیکتاتوری رژیم قذافی است و از حمایت دولت های غربی نیز به عنوان حربه ای در مقابل چپ و سوسیالیسم، برخوردار است. تقابل با قوانین ارتجاعی اسلامی و احترام به جان و زندگی انسان ها و رعایت حقوق انسانی یکی از چالش های بزرگی است که جامعه لیبی شاهد آن خواهد بود.*

پرونده ترور سفیر

عربستان و نگرانی رژیم

آمریکا پرونده جمهوری اسلامی را به اتهام تدارک ترور سفیر عربستان در آن کشور به شورای امنیت فرستاد تا آمادگی خود را برای اعمال فشار های بیشتر نشان دهد. در هفته گذشته اولین جلسه دادگاه منصور ارباب سیار یکی از متهمین تدارک ترور سفیر عربستان در آمریکا برگزار شد و آمریکا از طریق پلیس بین الملل خواستار استرداد متهم دیگر شده است. در این پرونده لشکر قدس و

اساس سوسیالیسم انسان است!

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: اعتصاب عمومی و اعتراض به "طرح اتحادیه عرب"

در هفته گذشته اعتصاب عمومی و اعتراضات مردم سوریه بر علیه رژیم اسد ادامه داشت. از اواخر هفته گذشته و به دنبال تظاهرات و تلاش های "اتحادیه عرب" برای "پایان دادن به بحران سوریه"، بالاخره نماینده این اتحادیه روز سه شنبه ۲۵ اکتبر با مقامات رژیم اسد دیدار و گفتگو کرد. نلویزیون رژیم سوریه اعلام کرد که گفتگوها "مثبت" بوده و در آینده نزدیک اصلاحات بیشتری در همکاری با مخالفان در دستور دولت سوریه قرار خواهد گرفت. لازم به توضیح است از حدود دو هفته قبل که اتحادیه عرب خواستار گفتگوی مخالفان با رژیم اسد شده بود و به دولت سوریه ضرب الاجل دو هفته ای برای فراهم کردن گفتگوها داده بود، بلافاصله مخالفان و تشکل های مردمی ضمن اعلام مخالفت با طرح اتحادیه عرب، اعلام کردند که دست به اعتراضات گسترده بر علیه سیاستهای حمایتی این اتحادیه در همسویی با رژیم اسد خواهند زد. در همین رابطه هفته گذشته تظاهراتی در چندین شهر سوریه بر علیه اتحادیه عرب صورت گرفت. مردم و مخالفان می گویند اتحادیه عرب با این سیاست در صدد خرید فرصت و تفرقه در صفوف مردم و تداوم سرکوبهای بیشتر انقلاب مردم می باشد. از نظر مردم سیاستهای این اتحادیه در دفاع از رژیم اسد بوده و مردم آن را قبول ندارند. در همین راستا مخالفان رژیم اسد روز چهارشنبه ۲۶ اکتبر در بخش هایی از سوریه در مخالفت با دیدار نمایندگان اتحادیه عرب با اسد،

اعتصاب عمومی اعلام کردند. در شهرهای درعا، دیرالزور، حمص، بانیاس و شهرکهای اطراف مردم دست به اعتصاب عمومی زدند. در جریان این اعتصابات نیروهای سرکوبگر به تظاهراتهای مردم حمله کرده ۲۷ نفر را کشتند. تنها در منطقه حمص حدود ۱۵ نفر کشته شدند. در ادامه این اعتراضات تظاهراتهای شبانه در حمص و برخی شهرهای دیگر برگزار شد. در جریان حمله به این تظاهراتها ۷ نفر در ادلب و حمص کشته شدند. در مناطق "ادلب، معره النعمان، کفرنبل، بسقلا، سرمین، کفریحمول، حرانو و بنش تظاهرات گسترده شبانه در پاسخ به فراخوان اعتصاب عمومی برگزار گردید. در تحولی دیگر رضوان زیاده رئیس مرکز حقوق بشر دمشق روز سه شنبه گزارشی از وضعیت نقض حقوق بشر در سوریه ارائه داد. براساس این گزارش در طول نزدیک به هشت ماهی که از آغاز انقلاب مردم سوریه می گذرد، نزدیک به ۴۰۰۰ نفر کشته و بیش از ۳۰ هزار نفر دستگیر شده اند. وی که در کنفرانس مطبوعاتی در مقر سازمان ملل سخن می گفت، افزود: "نظام حاکم بر سوریه استادیوم های بزرگ فوتبال را به بازداشتگاه معترضان تبدیل کرده است"

در هفته ای که گذشت سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای ضمن محکومیت نقض حقوق بشر توسط رژیم اسد و بویژه دستگیرشدگان اعلام کرد که رژیم اسد از بیمارستان ها به عنوان ابزاری برای درهم شکستن مقاومت و اعتراض مردم و بویژه زخمی شدگان اعتراضات اخیر استفاده می نماید. سازمان عفو بین الملل اعلام کرد بیماران که اکثرشان زخمی شدگان اعتراضات جاری می باشند، در چهاربیمارستان دولتی و نظامی در شهرهای حمص، بانیاس و تلکلیخ مورد ضرب و شتم قرار گرفته، شکنجه شده و تعدادی نیز به مکانهای نامعلوم منتقل شده اند. در یک اقدام وحشیانه دیگر نیروهای امنیتی پزشکان و پرستارانی را که به

درمان زخمی ها و دستگیرشده ها پرداخته بودند، دستگیر، شکنجه کرده و آنها را ملزم به همکاری با مقامات نیروهای امنیتی کرده است.

تونس: انتخابات و مصاف های آتی!

هفته گذشته انتخابات وعده داده شده برای تعیین نمایندگان مجلس موسسان که قرار است قانون اساسی جدید این کشور را تهیه نماید، برگزار شد. هرچند نتیجه نهایی این انتخابات هنوز رسماً اعلام نشده ولی شواهد و قرائن حاکی از دست بالا پیدا کردن جریان "النهضة" در انتخابات اخیر می باشد. گفته میشود که حزب اسلامی "النهضة" بیش از ۴۰ درصد آرا را از آن خود کرده است. نمایندگان دهها حزب و سازمان غیر اسلامی از چپ گرفته تا دموکرات، لیبرال و جریانات وابسته به سازمانهای زنان و کارگران به همراه "مستقل ها" جمعا بیش از ۵۰ درصد رای آوردند. همزمان با اعلام اولین نتایج رای گیری و احتمال پیروزی جریان اسلامگرای النهضة، احزاب و سازمانهای چپ و زنان اقدام به برپایی یک راهپیمایی اعتراضی بر علیه این جریان و خطراتی که در صورت سرکار آمدن این جریان تونس را تهدید می کند، کرده و خواهان آمادگی و هوشیاری مردم در دفاع از انقلابشان شده و تاکید کردند که به مبارزه و اعتراضات خود برای رسیدن به یک جامعه آزاد و دموکرات که در آن حقوق زنان و کارگران و احزاب سکولار رعایت شود، ادامه خواهند داد. النهضة اعلام کرده است که تعداد نزدیک به ۶۰ کرسی از ۲۱۷ کرسی مجلس موسسان را بدست آورده و مشغول گفتگو و مذاکره با سایر احزاب برای دست و پا کردن اکثریت نمایندگان این مجلس برای تبدیل شدن به نیروی تعیین کننده در این مجلس، بویژه تصویب قانون اساسی جدید می باشد. راشد غنوشی رهبر جریان اسلامگرای "النهضة" تونس بعد از اعلام اولیه نتایج انتخابات و پیشتازی حزبی در مصاحبه ای اعلام کرد که جریان مزبور آمادگی خود را برای معرفی کاندید برای پست نخست وزیر اعلام کرده است. وی در پاسخ به سوالی در باره نگرانی

ها و تهدیداتی که مردم از قدرت گیری این جریان دارند، ادعا کرد که "این جریان دموکرات است اسلام و شریعه منبع و مرجع قانونش، تاب تحمل و مدارا با همه جریانات غیر مذهبی را دارد. با این انتخابات جامعه تونس و بخش سکولار، جنبش های مدافع حقوق زنان و برابری طلب، کارگران و تشکل های کارگری و در یک کلام جنبش و جامعه مدنی و سیاسی غیرمذهبی تونس، با مصاف های جدی ای روبرو خواهند شد.

یمن: دیکتاتور یمن تضمین می خواهد! اعتراضات ادامه دارد!

هفته گذشته اعتراضات مردم برعلیه رژیم صالح در اکثر شهرهای بزرگ این کشور ادامه داشت. در شهرهای عدن، صنعا و تعز که شاهد بزرگترین اعتراضات ضد حکومتی بود، نیروهای هوادار رژیم ۱۹ نفر را کشته و بیش از ۴۰ نفر را زخمی کردند. مردم خواهان برکناری صالح می

سخنرانی حمید تقوایی در تورنتو: انقلابات خاورمیانه و اوضاع سیاسی در ایران شنبه ۲۹ اکتبر

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا) در ادامه برپایی جلسات سخنرانی و تریبون آزاد، برگزار میکند:

عنوان سخنرانی:

انقلابات خاورمیانه و اوضاع سیاسی در ایران

سخنران مهمان:

حمید تقوایی - لیبر حزب کمونیست کارگری ایران

زمان: شنبه ۲۹ اکتبر، ساعت ۶ تا ۱۰ شب

مکان: سالن کتابخانه مرکزی نورت یورک واقع در ۵۱۲۰ خیابان یانگ (طبقه دوم)

زمینه های برآمد جنبشهای انقلابی در منطقه، جنبشهای اجتماعی موجود در آنها، نقش و جایگاه جنبش کارگری، نقش سرمایه جهانی، و تاثیرات این جنبشهای انقلابی در روند اوضاع سیاسی ایران جهت اطلاعات بیشتر از این مراسم، لطفاً با ایمیل ذیل تماس حاصل فرمایید.

shora.poshtibani@yahoo.com

شورای پشتیبانی از مبارزات مردم در ایران (تورنتو- کانادا)



... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

دانشگاه در جنب و جوش ...

از صفحه ۱
شهلا دانشفر

های انضباطی و حراست بیشتر شد و از جمله در دانشگاه‌های مختلف دختران دانشجو را تحت عنوان "بدحجاب" اخراج و تعلیق کردند. بطور نمونه ۱۵ دختر دانشجو در دانشگاه عمران و ۳۰ دانشجوی دختر در دانشگاه اراک تعلیق شدند.

اما این خود بر فضای اعتراض دانشجویان شدت داد و اخبار حاکی از این است که دانشگاه این سنگر آزادی در مقابل این تعرضات ایستاده است. بعلاوه مساله گرانی، افزایش قیمت غذا و سرویس ایاب و ذهاب و خوابگاهها از دیگر معضلات اساسی دانشگاه بود که امروز دانشگاه را به حالت انفجاری در آورده است. مبارزه و اعتراضات بسیاری در این زمینه جریان دارد.

یک عرصه دائمی اعتراضات دانشجویان، مبارزه با قوانین ارتجاعی اسلامی و طرحهای اسلامی کردن دانشگاهها و به اجرا گذاشتن طرح تفکیک جنسیتی است. موضوع دیگر اعتراض به گرانتر شدن قیمت غذا و خوابگاهها و اعتراض به تحمیل فقر بیشتر بر آنهاست.

جانباختن آمنه زنگنه دانشجوی رشته رنگ و پلیمر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه امیرکبیر در ۱۱ مهر در حمام این دانشگاه به خاطر محروم بودن از خوابگاه و خوابیدن در نمازخانه دانشگاه و گاز گرفتگی ناشی از اسیدهای موجود در فاضلاب حمامهای دانشگاه، در همان آغاز سال، فاجعه ای بود دردناک که ابعاد تکاندهنده محرومیت دانشجویان را به نمایش گذاشت و دانشگاهها را به اعتراض و جنب و جوش در آورد. بدنبال این اتفاق ناگوار تجمعات هر روزه دانشجویان دانشگاه امیرکبیر شروع شد و بدنبال آن طی مدت یکماهه اخیر ما شاهد اعتراضات دانشجویی در دانشگاههای امیرکبیر، خواجه نصیر، آزاد، شهرکرد، دانشگاه بهشتی، علم و صنعت، دانشگاه یزد، کردستان، مشهد، ورامین، سمنان، مازندران،

در قم، گیلان و زنجان بوده ایم و بار دیگر صدای شعارهای "دانشجو میمیرد ذلت نمیپذیرد"، نیروی انتظامی خجالت، خجالت در دانشگاهها طنین انداخته است. نمونه هایی از اعتراضات دانشجویان در دو هفته اخیر به قرار زیر است:

- در اعتراضات دانشجویان در شهر کرد یکی از دانشجویان در گفتگو با خبرنگاران میگوید: "حتی اگر یک دانشجو به دلیل اعتراضات گذشته به کمیته انضباطی احضار شود، کلاس های درس را تعطیل کرده و به اعتراضات خود ادامه می دهیم تا ریاست دانشگاه را از کار بر کنار کنیم. دانشجویان شهر کرد که اساسا اعتراضاتشان به وضع بد غذا و دیده شدن کرم پخته در غذای سلف سرویس دانشگاه بود، همچنین به اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه معترضند، به مسئولین هشدار میدهند که اگر تا ۱۳ آبان ماه به خواسته های آنها رسیدگی نشود، به اعتراضات خود شدت خواهند داد.

- در قم در پی تعلیق ۶ دانشجویی دختر بخاطر بدحجابی اعتراضاتی برپا شد که در نتیجه آن دبیر شورای مرکزی انضباطی وزارت علوم ناچار به عقب نشینی شد و اعلام کرد که آرای مربوط به ۶ دانشجویی تعلیقی دانشگاه مفید قم فاقد مبنای قانونی بوده است و ادامه داد: از نظر وزارت علوم احکام تعلیق این دانشجویان بی موقع ابلاغ شده بود و وزارت علوم این حکم را قانونی نمی داند. جالب اینجاست که او منکر تجمعات اعتراضی دانشجویان شد.

- در دانشگاه سمنان اعتراض دانشجویان به بالا بردن قیمت هزینه ایاب و ذهاب و اجرای طرح تفکیک جنسیتی به موفقیت می انجامد و اعلام میکنند که چنین طرحی در کار نبوده است و هزینه رفت و آمد با سرویس ها کاهش می یابد.

- در پی تجمعات اعتراضی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد مدیر روابط عمومی این دانشگاه از

موافقت مسئولین با برخی از خواسته های دانشجویان خبر داد. دانشجویان در اعتراضات خود خواهان برکناری معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه و کاهش هزینه رفت و آمد و هزینه غذا شده بودند. بر این اساس معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه فردوسی مشهد استعفا داد. اعلام شد که هزینه حمل و نقل دانشجویان نیز کاهش خواهد یافت.

روز یکشنبه گذشته شاهد یکی از گسترده ترین تجمعات اعتراضی دانشجویان در دانشگاه مازندران بودیم. در این دانشگاه، دانشجویان ظرف های غذای خود را از سلف دختران و پسران تا ساختمان اداری سلف چیده و در مقابل این ساختمان دست به تحصن زدند. دانشجویان این دانشگاه قبلا طی نامه ای اعتراض خود را به کیفیت نامطلوب غذای سلف دانشگاه و خوابگاه ها اعلام کرده بودند. در این حرکت اعتراضی نیروهای حراست، لباس شخصی و بسیج بارها سعی نمودند ظرف های غذا را جمع کرده و جمعیت را متفرق نمایند که با اعتراض گسترده دانشجویان مواجه شده و عقب نشستند. در این تجمع یکی از دانشجویان بیانیه ای را قرائت نموده و مطالبات صنفی دانشجویان را بار دیگر به مسولان دانشگاه گوشزد نمود که با حمایت و تشویق دانشجویان حاضر در تجمع مواجه گردید.

- دانشجویان دانشگاه علم و صنعت نیز در روز سه شنبه ۲۵ مهر ساعت ۱۰ صبح در مقابل دانشکده عمران تجمع کردند. این تجمع در اعتراض به ابلاغ حکم تعلیق به ۱۵ نفر از دانشجویان دختر این دانشکده برگزار شد. ۱۵ نفر از دانشجویان دختر دانشکده عمران به دلیل اینکه در

همایش حجاب که توسط رییس دانشگاه برگزار شده بود شرکت نکردند ازسوی ریاست دانشکده عمران به ۲ ترم تعلیق از تحصیل در دانشگاه محکوم شدند. در این تجمع اعتراضی دانشجویان طی بیانیه یی، خواسته های خود را اعلام کردند.

- در هفته اخیر در ۳۰ مهر چند صد تن از دانشجویان در کوی دانشگاه تهران در اعتراض به کیفیت پایین غذا، افزایش بی سابقه نرخ غذا و

هزینه خوابگاه، نامناسب بودن امکانات رفاهی، اجرای طرح تفکیک جنسیتی در دانشگاه و از همه مهمتر عدم پاسخگویی شفاف مسئولین دانشگاه به انتقادات دانشجویان، در کوی دانشگاه تهران تجمع کردند. با دخالت مسئولین حراست دانشگاه و با وعده حضور مسئولین در کوی دانشگاه در روز یکشنبه، دانشجویان پس از دو ساعت و با خواندن یار دبستانی به تجمع خود موقتا پایان دادند. در جریان این حرکت اعتراضی تعداد زیادی از نیروهای حراست، با گرفتن کارت دانشجویان و فیلمبرداری از آنان و درگیری های لفظی سعی در متفرق کردن دانشجویان داشتند. اما دانشجویان تجمع خود را ادامه دادند و اعلام کردند تا تحقق خواسته هایشان هر شب در میدان کوی دانشگاه تجمع خواهند کرد.

بدین ترتیب از یکسو دانشجویان قرار تجمع هر شب در کوی دانشگاه و گسترش اعتراضاتشان در دانشگاههای مختلف را میگرداند و اولتیماتوم میدهند و خواسته هایشان را پیگیری میکنند و از سویی

معاون اجتماعی انتظامی در دانشگاهها در ۴ آبان ماه خواستار فعالتر شدن کمیته های انضباطی در مراکز آموزشی در زمینه برخورد با "بدحجابی" میشود. رودرویی در دانشگاهها شدت می یابد.

همین چند نمونه بخوبی نشاندهنده فضای دانشگاهها و گستردگی اعتراضات دانشجویی است. همانطور که اشاره کردم و در اخبار اعتراضات دانشجویان شاهدیم، اعتراض علیه آپارتاید جنسی و تفکیک جنسیتی، حجاب اجباری و قوانین ارتجاعی اسلامی، کوتاه شدن دست کمیته های انضباطی و سرکوبگر از دانشگاه ها و آزاد شدن دانشجویان زندانی و بازگشت به تحصیل دانشجویان و استادان تعلیقی و اخراجی محور خواسته های همه دانشجویان در تمام شهرهاست. تلاش برای هماهنگ کردن دانشگاههای مختلف حول این خواستها که در عین حال خواسته های بطور واقعی خواسته های کل مردم ایران است، یکی از الزامات و شرایط مهم قدرت یابی و گسترش این اعتراضات است.*

پلاتفرم اتحاد سراسری دانشجویان

مهمترین خواسته های دانشجویان در شرایط کنونی عبارتند از:

۱. آزادی فوری و بی قید و شرط دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی.
۲. آزادی های بی قید و شرط سیاسی مانند آزادی بیان، تجمع، تشکل، اعتراض، اعتصاب، و سایر فعالیت های دانشجویی نظیر کلپ های فرهنگی و علمی وغیره.
۳. لغو حجاب اجباری و انتخاب آزادانه پوشش.
۴. لغو قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و لغو تفکیک جنسیتی به هر شکل و هر زمینه.
۵. انحلال فوری همه نیروهای نظامی، شبه نظامی و امنیتی مانند کمیته های انضباطی، حراست، نمایندگی رهبری و غیره در دانشگاه. ممنوعیت اکید ورود پلیس و نیروی انتظامی به دانشگاه.
۶. جدایی دین از آموزش و پرورش و دانشگاه ها.
۷. معرفی آمرین و عاملین کشتار و جنایت علیه مردم و دانشجویان و محاکمه آنان در دادگاه های علنی با نظارت بین المللی.
۸. لغو هرگونه گزینش و امتحان ایدئولوژیک مذهبی، عقیدتی و سیاسی برای ورود به دانشگاه ها. لغو فوری همه احکام اخراج و و بازگرداندن فوری همه دانشجویان و استادان اخراجی.
۹. انتخابی شدن همه مدیران و مقامات دانشگاهها توسط دانشجویان و استادان.
۱۰. تامین بالاترین استانداردها برای تحصیل و امکانات رفاهی دانشجویان. از قبیل لغو شهریه، تامین خوابگاه مناسب، پرداخت کمک هزینه، تامین دانشگاه و فضای تحصیلی کافی برای همه متقاضیان ورود به دانشگاه و...

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

گزارشی از جلسه گفت و شنود با رهبری حزب کمونیست کارگری ایران در شهر فرانکفورت آلمان!

روز شنبه ۲۲ اکتبر به دعوت کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری در شهر فرانکفورت آلمان، جلسه ای با حضور حمید تقوایی، محمد آسنگران و مینا احدی برگزار شد و بدنبال سخنرانها، گفت و شنود با اظهار نظر و طرح سوالات حاضرین و پاسخ به آنها ادامه یافت.

جلسه با خوشامدگویی شهناز مرتب و اعلام يك دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیزم آغاز شد. در ابتدا حمید تقوایی سخنرانی کرد و با اشاره به انقلابات در خاورمیانه و شمال آفریقا و جنبش عظیم مردم در کشورهای مختلف اروپایی و کانادا و آمریکا گفت: مردم بیخاسته اند و با این اعتراضات توده ای پایان يك دوره از تاریخ را اعلام میکنند. پایان دوره يکه تازی نشوکنسرواتیسیم و میلیتاریزم دولتهای غربی و جنبش مافوق ارتجاعی اسلام سیاسی، دوره ای که سرمایه داران و صاحبان قدرت اعلام کردند که ایده آزادیخواهی و برابری طلبی به پایان رسیده و همه باید به وضعیت موجود تمکین کنند.

او در مورد اهمیت این مبارزات، اعاده حیثیت از انقلاب و نقش تعیین کننده توده های انقلابی مردم در شکل دادن به اوضاع سیاسی جهان صحبت کرد و اینکه با این مبارزات چپگرایانه اکنون مارکس و ایده سوسیالیزم و رفاه و آزادی برای همگان بسیار ملموس تر و نزدیکتر شده و چپها در این اوضاع میتوانند نقش بسیار زیادی در تغییر زندگی مردم بازی کنند.

سپس مینا احدی در مورد جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و اینکه امروز این جنبش ارتجاعی و ضد انسانی وارد دوره افول خود شده صحبت کرد و گفت رسانه های غربی و دولتهای غربی اینک در تونس و مصر و لیبی، بفکر آلترناتیو سازی و تحمیل اسلام به اصطلاح خوش خیم به مردم هستند. باید با صدای بلند گفت هر درجه دخالت اسلام و مذهب در دولت و سیستم قضایی و قوانین به معنای بازسازی يك دیکتاتوری دیگر و پس راندن مردم است و باید در مقابل این روند ایستاد.

محمد آسنگران با اشاره به

جنبش های اجتماعی در ایران و توضیحاتی در مورد جنبش ناسیونالیستی و جنبش اسلامی و دست به دست شدن قدرت در طول سالهای سال بین این دو جنبش، اظهار داشت که امروز با حضور قوی چپ و بخصوص حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی ایران این دور باطل به پایان رسیده و این احتمال کاملاً وجود دارد که آینده سیاسی ایران بوسیله جنبش چپ و کمونیستی رقم زده شود.

بدنبال سخنرانی ها، حاضرین به اعلام نظر و طرح سوالات خود از سخنرانان پرداخته و مباحثات مفصل و جالبی در مورد اوضاع سیاسی ایران و چگونگی سرنگون کردن حکومت اسلامی و آینده ایران در گرفت.

گفت و شنود با رهبری حزب کمونیست کارگری بعد از سه ساعت و نیم و در فضایی گرم و صمیمانه به پایان رسید.

کمیته آلمان حزب کمونیست کارگری ایران، ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱



مصر کارگران آن مصر قدیم... از صفحه ۱



سطحی و در هیچ کجای مصر خبر حساب نمی شد. کارگران این بی سر و پایان ژنده پوش و بی سواد و بی فرهنگ که داخل آدم حساب نمی شدند که حق و حقوق و منزلتی داشته باشند. اینها را خدای سرمایه آفریده بود استعمارشان کند، شیره جانشان را در کارگاه ها، کارخانه ها و بنادر، در مزارع، در کنار خیابانهای محلات توریستی بکشند، مرتب توی سرشان بزنند، تحقیرشان کند و تکه نانی هم، تازه آن هم با اگر و امای بسیار به سویشان پرت کند!

آنچه به کارگران مصر در نیم قرن اخیر و به ویژه در طول حکومت مبارک گذشته جهنمی بوده است. طبیعی است که تمکین کارگران و زحمتکشان مصر به این همه تحقیر و بی حرمتی، رضایت دادن به شکم خالی و خواب نان را دین؛ پیر شدن جگرگوشگان را دین و لب گزیدن؛ در بیغوله های خاک آلود زیستن؛ در

ساحل نیل حق آب خوردن هم نداشتن و روزی هزار بار به هر کس و ناکسی تعظیم کردن، با هر تکرار عبارت "آندلی" و "باش مهندس" کوچکتر شدن و این بغض تاریخی را قورت دادن؛ شرط لازمه حفظ این جهنم کارگران، این بهشت سرمایه که کاخ سفیدی های چند دهه اخیر آن چنان به آن فخر می فروختند بوده است. برای حفظ این جهنم غیر قابل تحمل و تحمیل این بی حقوقی محض، برای نهادینه کردن تحقیر و ناتوانی و بی ارادگی به صاحبان حقیقی جامعه، حاکمان مصر و مدیران زیردست و اربابان جهانیشانشان نیازمند يك دستگاه عظیم جنایت و سرکوب و فریب و تحمیل و اشاعه خرافات و مذهب بوده اند. وزارت کشور با يك میلیون و نیم پاسبان و خبرچین و

زندان بان و شکنجه گر، شیخ الازهر و اسقف اعظم و سلسله مراتب عریض و طویل آخوند و کشیش، رادیو و تلوزیون و خواننده و هنرنییشه و روزنامه و رمال و جن گیر و ژنرال و کماندو و میلیاردها دلار بودجه لازم داشته اند، اما ابدی کردن جهنم سرمایه آزرایی است که کارگران مصر هم اینک بسهم خود يك بار دیگر پوچی آن را اثبات کرده اند.

روز ۲۲ اکتبر يك افسر ارتش و ۴ سرباز تحت فرمانش يك کارگر را کتک زدند و ۹ ماه پیش این خبر حساب نمی شد. امروز اما همه مصر، نه فقط همه مصر بلکه کارگران در سراسر دنیا میدانند نام کارگری که مورد بی حرمتی افسر مصری و ۴ سربازش قرار گرفت خالد گیلانی بود. من و شما هم میدانیم که خالد کارگر شرکت نساجی مصری بود؛ به وضع خود و برادران و خواهران کارگرش معترض بود، خواهان خلع ید از صاحبان کارخانه بود؛ امروز بسیاری میدانند که خالد گیلانی نماینده منتخب کارگران

حقوقدانان و آزاد اندیشان مصر طی يك اطلاعیه مشترک خواسته های دیگری به خواسته های بر حق خود اضافه کردند. افسری که جسارت کرده و به روی يك کارگر دست بلند کرده باید محاکمه شود، خواسته های کارگران دال بر اخراج مدیریت فاسد شرکت و سایر خواسته هایشان فوراً متحقق گردد و... مصر امروز هیچ شباهتی به مصر ۹ ماه پیش، مصر تمکین و تحقیر و تسلیم ندارد... مصر امروز مصر اتحاد، مبارزه، اراده و پیشروی است.*

کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها با ایمل با تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا

یابک بزوی (۱۵۵۴-۱ آمریکا) : ۱-۲۱۶ ۷۵۳۳۶۶
 ۱-۲۱۶ ۷۷۱۷۳۸

ایمل: babakyazdi@yahoo.com

زوی اسلی (فوب کانادا - ونکوور) : ۱-۶۰۴ ۲۷۷ ۸۸۸۶
 zariasl@yahoo.ca

ایمل: zariasl@yahoo.ca

فوب اروپا یا

انتشارات نسیم: ۰۰۴۹-۰۱۷۳۳۹۳۹۷۰
 ایمل: nasim_info@yahoo.es

حلقه طیفی (انگلستان): ۰۲۴۴-۰۱۷۹۵-۹۲۴۴۲۲
 ایمل: jattiluk@yahoo.com

مهن کونا (آلمان): ۰۳۹-۰۱۷۳۳۵۰۵۲۹
 ایمل: mahinkushal@t-online.de

کارل مارکس

سرمایه

کتاب ۱ (کاپیتال)

ترجمه جمشید هادیان

زنده باد سوسیالیسم!

شنبه ۵ نوامبر تظاهرات سراسری برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی در ایران

۲۷ شهر در ۱۲ کشور (لیست در حال تکمیل است)



amirmasoud.khaghani@gmail.com
jonbeshhoghghpanahjo.cyprus@gmail.com

لارناکا : شنبه ۵ نوامبر
تماس: امیر مسعود خاقانی
96484292

جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع میرسد
amirmasoud.khaghani@gmail.com
jonbeshhoghghpanahjo.cyprus@gmail.com

آتن : شنبه ۵ نوامبر ساعت ۵
بعدازظهر

محل: دانشگاه پلی تکنیک آتن-
واقع در خیابان پاتیسون
تماس: ناصر آقباشلو
00306957954975

لیست در حال تکمیل شدن است.
از همه آزادیخواهان، از همه
نهادهای و فعالین حقوق کارگر و
زندانیان سیاسی دعوت میکنیم که
فعالانه در این آکسیون ها شرکت
کنند و یا خود آکسیونی را در شهری
که هستند سازمان دهند و اطلاعات
مربوطه را برای ما بفرستند که به این
لیست اضافه کنیم.

برای اطلاعات بیشتر میتوانید
به فیس بوک و سایت ها و ویلاک
های زیر مراجعه نمایید:

http://free-them-
now.blogspot.com/
www.iranpoliticalprisoners.com
http://on.fb.me/oWSQb8
www.missionfreeiran.org

راس ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه
راهپیمایی به طرف میدان نارینکا
(Narinkatori) واقع در پشت
ساختمان کامپی (Kamppi)
تماس:

abroadcommittee@gmail.com

فرانسه، لیون : شنبه ۵ نوامبر
ساعت ۴ تا ۵ عصر
اطلاعات تکمیلی بعدا به اطلاع
میرسد

ژاپن، توکیو : روزهای ۵ و ۶
نوامبر سخنرانی جمال صابری کادر
حزب کمونیست کارگری ایران و از
فعالین کمیون برای آزادی کارگران
زندانی درمورد کارگران زندانی در
ایران در جلسه اتحادیه کارگران راه
آهن دورو چیبسا که با حضور
نمایندگانی از اتحادیه های کارگری
برزیل، آمریکا و کره جنوبی برگزار
میشود.

لیماسول : شنبه ۵ نوامبر ،
تماس: امیر مسعود خاقانی
96484292

جزئیات بیشتر بعدا به اطلاع میرسد
amirmasoud.khaghani@gmail.com
jonbeshhoghghpanahjo.cyprus@gmail.com

نیوکوزیا : شنبه ۵ نوامبر ساعت
۱۰ تا ۱۱ صبح

مقابل سفارت جمهوری اسلامی
تماس: امیر مسعود خاقانی
96484292

ورتسبورگ : شنبه ۵ نوامبر
ساعت ۲ تا ۴ عصر
اطلاعات تکمیلی بعدا گزارش
میشود.

تماس: Abdolbaset
soleimani.baset.marx@yahoo.com

هانوفر : شنبه ۵ نوامبر ساعت ۴
تا ۶ بعدازظهر
محل: Kropke
تماس: ناصر کشکولی 0177
8348592

هامبورگ : شنبه ۵ نوامبر،
ساعت یک و نیم بعدازظهر
محل:

Hamburg
Hauptbahnhof
Glockengießerwall

تماس: نازنین برومند
01724044323

آمریکا:

شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۱ بعدازظهر
محل:

Love Park, Broad and
JFK Street

تماس: سهیلا نیکیور
2674397185

واشنگتن :

یکشنبه ۶ نوامبر ساعت ۱
بعدازظهر
محل:

2209 Wisconsin Ave
NW, Washington DC

دفاتر جمهوری اسلامی در سفارت
پاکستان و از آنجا بطرف

Georgetown
تماس: ماریا روحالی
maria.rohaly@gmail.com

نروژ ، اسلو : شنبه ۵ نوامبر،
ساعت ۱ تا ۲ بعدازظهر

محل: مقابل سفارت جمهوری
اسلامی

تماس: صابر رحیمی:

098694001

ابوالقاسم کردار:
042316278

فنلاند، هلسینکی : شنبه ۵
نوامبر از ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر

مکان: تجمع ساعت ۲ بعدازظهر در
میدان راه آهن هلسینکی
(Helsingin rautatientori) و

گالری و از ساعت ۵ مقابل بی بی
سی فارسی، تلفن های تماس:
بهرروز بهاری 07838156819
علیرضا رشیدی
07712810675

نزدیکترین ایستگاه قطار به میدان
ترافالگار: Charring Cross

آدرس: بی بی سی فارسی
Broadcasting House,
2-22 Portland Place,

London W1A 1AA

نزدیکترین ایستگاه قطار
Oxford Circus
کانادا:

تورنتو : زمان: شنبه ۵ نوامبر
ساعت ۲ تا ۵ بعد ازظهر

مکان: تقاطع خیابان یانگ و داناس
(مقابل ایتن سنتر)
تماس:

یدی محمودی: 4164717138
hkki.vca@gmail.com
hkki.vca@gmail.com

ونکوور: شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۳ تا
۵ بعدازظهر

Art Gallery, Robson side
شورای کارگری ونکوور و حومه)
Vancouver district Labour
council حمایت خود را از این
فراخوان اعلام کرده است

Masoud Arjang
0016046495453

هلمند، آمستردام

شنبه ۵ نوامبر از ساعت ۲ تا ۴
مکان: آمستردام- بورس پلازین
تلفن تماس: بهمن خانی
0031651273261

آلمان:
فرانکفورت:
شنبه ۵ نوامبر

جزئیات بعدا اعلام میشود
تلفن تماس: شهناز مرتب
015774650186

برلین:
روز شنبه ساعت ۲ تا ۴ بعدازظهر،
در محل

Joachimstaler platz, am U-
Bahnhof Kurfürstendamm

تماس: فرزانه درخشان
017624866317

کلن : شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۴
بعدازظهر

مقابل کلیسای دوم
تماس: محمد نعمتی
01635522356

سوئد:

استکهلم: شنبه ۵ نوامبر، ساعت
۱ تا ۳ مقابل سفارت جمهوری
اسلامی

تلفن تماس:

Faramarz Ghorbani
0765647616

Göran Gustavsson
0704009033

گوتنبرگ: شنبه ۵ نوامبر، ساعت
۱ تا ۳ در برنز پارکن

تلفن تماس: عبدالله اسدی
07317178819

هلسینگیوری: شنبه ۵ نوامبر ۲
و نیم تا ۵ بعدازظهر

در استور توریت
تماس: گبی حسینی
0760879874

بوروس : شنبه ۵ نوامبر، ساعت ۲
تا ۴ بعدازظهر

استورا توریت
تماس: اسماعیل مردوخی
0737598566

سوخو : روز شنبه ۵ نوامبر
تماس:

0046700773423
emil:zolfaghriarian4@gmail.com

جزئیات بعدا اعلام میشود

مالمو:
روز شنبه ۵ نوامبر ساعت ۱ تا ۳
بعدازظهر

در Triangel
تماس: حسن صالحی
0703171102,
0703638088

کالسکرونا :
شنبه ۵ نوامبر ساعت ۲ تا ۴
بعدازظهر

محل:
Ronnebygatan 43 till 47
i Centrum

تماس:
Kamrani;amir_ung@yahoo.com

47 10 53 0046704
nasserkhassae@yahoo.com

0046762835308

انگیس، لندن: شنبه پنج نوامبر،
ساعت ۲ الی ۴ عصر

میدان ترافالگار در مقابل نشنال

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعا تکثیر و پخش کنید

اطلاعیه شماره ۷:

قطعنامه شورای اتحادیه کارگران ونکوور و حومه در حمایت از ۵ نوامبر روز همبستگی جهانی با کارگران ایران

بدنبال تلاش مسعود ارژنگ کادر حزب کمونیست کارگری ایران در کانادا و از همکاران کمپین برای آزادی کارگران زندانی و عضو شورای اتحادیه کارگران ونکوور و حومه، از سوی این اتحادیه قطعنامه ای در حمایت از آکسیون ۵ نوامبر صادر شده است.

به گزارش مسعود ارژنگ در آکسیون اعتراضی ۵ نوامبر سخنرانانی از سوی اتحادیه های کارگری کانادا شرکت خواهند داشت که گزارش دقیقتر آن متعاقبا به اطلاع خواهد رسید. متن این نامه و ترجمه آن ضمیمه است.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگری

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی ۲ آبان ۱۳۹۰، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۱

روز کارگر

موضوع: روز همبستگی جهانی با کارگران

به مناسبت ۵ نوامبر روز همبستگی جهانی با کارگران ایران، شورای اتحادیه های کارگران در ونکوور و حومه همچنان حمایت خود را از کارگران دستگیر شده که زیر حمله شدید حکومت قرار دارند، ادامه داده و از این روز همبستگی جهانی با کارگران ایران و کمپین "Free Them Now" خواستهای زیر پشتیبانی میکند:

- آزادی فوری کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در ایران بدون قیدوشرط

- پرداخت حقوق های معوقه برای کارانجام شده

- حق تشکل و اعتصاب برای کارگران

آزادی بیان شامل برگزاری جشن های روز کارگر

اینکه در گروه های جدا برای پیمانکاران متفاوت کار می کنند، نتوانسته اند علیه سیاست عدم پرداخت به موقع حقوقها با هم متحدانه مبارزه کنند.

اعتراض کارگران پایانه نفتی جزیره خارک به شرکتهای پیمانکاری

یکی از خبرگزاریهای رژیم در خبری گفته است که کارکنان پیمانکاری پایانه نفتی جزیره خارک از فرصت حضور خبرنگاران بازدیدکننده جهت طرح و انعکاس خواستهشان مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و بستن قرارداد مستقیم بهره گرفتند و نارضایتی و اعتراضاتشان را بنمایش گذاشتند.

در ادامه آمده است که بیش از ۲۵۰۰ کارگر پیمانکاری در این شرکت کار می کنند که این تعداد دو برابر کارگران رسمی هستند.

ادامه تجمع کارگران لوله سازی خوزستان و دستگیری تعدادی از آنها

در خبرها آمده است که تجمع و تحصن بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران لوله سازی خوزستان در مقابل استانداری خوزستان در خیابان فلسطین اهواز برای یازدهمین روز متوالی هم چنان ادامه دارد. این کارگران خواهان ۲۴ ماه حقوق معوقه و بازگشایی شرکت و برگشت به کار کارگران و بازنشسته کردن کارگران واجد شرایط هستند.

طبق خبر دیگری که کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز ۳۰ مهر منتشر کرد، در این روز تعدادی از این کارگران مقابل فرمانداری اهواز تجمع کردند. در ادامه نیروی های انتظامی در محل تجمع کارگران حاضر شدند و تعدادی از کارگران را دستبند زده و با خود بردند.

تجمع کارگران شرکتهای فرنیخ، نازنخ و مه نخ قزوین مقابل مجلس اسلامی

در خبرها آمده است که کارگران شرکتهای فرنیخ، نازنخ و مه نخ با تجمع مقابل مجلس خواستار دریافت

حقوق معوقه خود شدند. کارگران در این تجمع شعارهایی چون: "عدالت، عدالت، کو مجری عدالت" و "غارتگریت المال اعدام باید گردد" سر می دادند. این کارگران پارچه نوشته هایی چون: "ما کارگران کارخانجات فرنیخ، مه نخ و نازنخ خواستار ۲۰ ماه حقوق معوقه خود هستیم" و "جناب آقای رییس جمهور وعده خود را عملی کن، مشکل ما را حل کن" با خود حمل می کنند.

اعتراض کارگران به اخراجها در کارخانه آرد یاسوج

در اخبار این هفته آمده است که کارفرمای کارخانه آرد یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد هشتاد کارگر رسمی و پنج کارگر قراردادی این کارخانه را که ۵۲ نفر از آنان با استفاده از مشاغل سخت و زیان آور در شرف بازنشستگی بودند، از کار اخراج کرده است. کارگران با برگزاری تجمع در مقابل دفتر خبرگزاری رژیم ایسنا به این اخراج سازیها اعتراض کرده اند.

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت مخابرات استان تهران

روز ۲۶ مهر تعدادی از کارکنان بازنشسته شرکت مخابرات استان تهران با تجمع در مقابل ساختمان مرکزی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات خواهان دریافت مطالبات خود شدند.

دارند. این اتفاق آنروزها می توانست سه روز بعدش یا یک هفته بعد بیفتد و الآن هم هر روز این امکان وجود دارد که اوضاع به آن سمت برود. اگر جامعه بخواهد از شر جمهوری اسلامی و سرکوب و اختناق و اعدام و سنگسارش خلاص شود، راهی ندارد مگر آنکه بیاید در کنار حزبی که مدام بر این کوبیده است و در مقابل همین کسانیکه می گفتند خاتمی اصلاح طلب است و غیره، اعلام کرد که کل این جمهوری اسلامی باید برود. تمام جناح هایش باید بروند و سرانش باید محاکمه شوند. اگر مردم بخواهند اوضاع را تغییر بدهند و از شر این جهنم خلاص بشوند، ناچارند بیایند پشت حزب کمونیست کارگری و من

در مورد حزب کمونیست کارگری... از صفحه ۱۱

کند و آترا پراکنده کند. به این دلیل که اینها خودشان را مخالف دیکتاتوری و همراه با مردم جا زده بودند و در ضدیت با نظام اسلامی و غیره، در صورتیکه میخواستند نظام اسلامی را حفظ کنند. مردم جامعه هم متوجه شدند که نمی شود آن هماهنگی میلیونی که قبلاش وجود داشت را، بتوان ادامه داد و ادامه ندادند. انقلاب منکوب نشد. درهم شکسته نشد ولی در مقابل سرکوب، عقب کشید و مردم خیابان ها را خالی کردند. بنظر من، باز هم جلو می آیند و گام بعدی را که به زیر کشیدن حکومت اسلامی است بر می

میدان آمده است. خود مفهوم انقلاب و نه هواپیماهای آمریکایی که بیایند بمباران و رژیم پنج کنند. همه اینها نشان می دهد که آلترناتیو و راه و روش و جهت گیری که ما رویش تاکید کرده بودیم، جلو آمده است. گام بعدی اش می توانست این باشد که جریانی مثل حزب کمونیست کارگری به میدان می آید و رهبری را بدست می گیرد ولی آنجا متوقف شد. بخاطر اینکه می شود گفت آن ضد انقلابی که امرش بازگشت به دوره خمینی نه کم و نه بیش بود و موسوی و کروبی پرچمدارش بودند، در صف انقلاب توانست تفرقه ایجاد

Day of Solidarity With Iranian Workers- Subject: International

Because Nov 5th is the international day of solidarity with Iranian workers, The ancouver and district labour council will continue to stand in solidarity with Iranian workers who are under unprecedented attack from the government and will support the Nov 5th ction by Free Them Now Campaign, which

calls for the immediate and unconditional release of imprisoned workers and political activist in Iran payment of withheld wages for the work they have done the right of workers to established unions, engage in strike and enjoy freedom of expression including the right to organize May Day events.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla_daneshfar@yahoo.com,
00447779898968
baram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334
baram.soroush@gmail.com

شهلا دانشفر
بهرام سروش

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

مصاحبه را برای نشریه انترناسیونال پیاده کرده تشکر میکنیم

مطمئنم این اتفاق خواهد افتاد... از هادی وقفی که کل این

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

در مورد حزب کمونیست کارگری... از صفحه ۱۲

کارگری است و در نتیجه، به این مفهوم، این حزب فقط حزب کارگران نیست. حزب همه کسانی است که خودشان را متعلق به یک جنبش کارگری، جنبش کمونیستی کارگری می دانند. بنابراین، چه بسا در وهله اول شاید اینطور باشد که قشر روشنفکری می آیند و به کمونیسم می پیوندند که الزاما کارگر نیستند ولی اوضاع را می بینند، واقعیت های اجتماعی موجود را می بینند و می آیند برایش مبارزه می کنند. اما، در سیر تاریخی قاعدتا بیشترین نیرویی که به کمونیسم می پیوندند، کارگران هستند. به این دلیل که استثمار، ستم و محرومیت بیشتری می کشند و در عین حال، همانطور که گفتم، بخاطر نقشی که در اقتصاد دارند، از این امکان برخوردارند که بتوانند این جامعه را زیر و رو بکنند.

سیامک بهاری: اجازه بدهید از این بحث به مسئله قدرت سیاسی هم بپردازیم. یکی از مشخصاتی که حزب کمونیست کارگری از آن صحبت می کند، کسب قدرت سیاسی است. آیا شما بعنوان یکی از اعضای رهبری این حزب، حزب کمونیست کارگری را در موقعیتی می بینید که مردم به آن اعتماد می کنند و قدرت سیاسی توسط این حزب کسب می شود تا در نتیجه اهدافی که این حزب می گوید، با انقلاب سوسیالیستی پیاده شود؟

کاظم نیکخواه: بله. من فکر می کنم این حزب صد در صد این مشخصات را دارد - اول - به این دلیل که امرش است. امرش این است که قدرت سیاسی کسب شود نه آنکه حزب قدرت سیاسی را بگیرد برای خودش! در واقع، همانطور که تمام بحث ما تا اینجا نشان می دهد، برای تغییر جامعه، شما باید ارگان های قدرت را از دست آن اقلیت بگیرید. هستند جریاناتی که خودشان را خیلی هم طرفدار انسان و آزادی و غیره تعریف می کنند ولی پاسیفیست هستند. می گویند باید مثلا کار فرهنگی بکنیم. باید تبلیغ بکنیم و در عین حال، قدرت سیاسی بنظرشان نجس است! دست به قدرت نزنید یا ما نمی توانیم و یا باید یک

کاری بکنیم که قدرت خودش بدست مردم بیفتد و غیره. ما می گویم این اتفاق اولین قدم است. اولین گام این است که شما باید قدرت را از دست اقلیت بگیرید و دولت را از دستش خارج کنید بخاطر اینکه اگر این را نداشته باشید، هیچ چیز دیگری هم ندارید! اگر شما قدرت نداشته باشید، حقوق اجتماعی، حق مسکن، حق آزادی بیان و بی قید و شرط و غیره را هم ندارید. اگر دولت و قدرت دست شما نباشد، دیگران اینها را از دست جامعه می گیرند. همانطور که تاکنون گرفته اند. در ایران که می بینیم یک حکومت طالبانی بر سر کار آورده اند که هر کاری که دلش میخواید، می کند و قوانین سرکوبگرانه اهل عتیقی و منفور و منحوس را بر سر جامعه حاکم کرده و خون مردم را در شیشه کرده است. اما در پیشرفته ترین جوامع امروز هم اگر نگاه کنیم، می بینیم که هنوز مردم محرومند. میلیون ها مردم با جنگ مخالفند ولی اینها جنگشان را می کنند! بحران می شود، میلیارد میلیارد پول مالیات مردم را به بانک ها می دهند. از حقوق بازنشستگی کسانی می زند که سی سال، چهل سال کار کرده اند و الان در دوره هفتاد یا هشتاد سالگی شان هستند و اینها می گویند پول نداریم که بدهیم. حال آنکه پولی که به یک بانکدار داده می شود، به اندازه پانزده سال حقوق یک میلیون آدم بازنشسته است! می خواهیم بگویم اگر قدرت سیاسی دست مردم نباشد، کاری نمی توان کرد و اساس مسئله قدرت سیاسی است. ما تلاشمان این است که جامعه را متوجه کنیم، کارگران را متوجه کنیم که صرفا با فرهنگ و تبلیغ و آگاهی نمی شود کاری کرد مگر آنکه اول قدرت را بگیریم. طبقه کارگر باید قدرت را بگیرد و حزب طبقه کارگر باید امر اساسی اش را این بگذارد که در قدم اول قدرت را کسب کند.

اینکه آیا ما می توانیم قدرت را بگیریم، من فکر میکنم می توانیم و تلاشمان این است که مردم را متوجه کنیم که یک حزبی هست که میتواند قدرت را بگیرد. می تواند قدرت را نگاه دارد، جامعه را عوض کند و اوضاع را تغییر دهد. بله، هنوز باید در این جنبه کارهای بسیاری بکنیم. روزی کار بسیار بیشتری باید بکنیم. روزی

که حزب کمونیست کارگری بتواند بگوید "اعتصاب" و همه اعتصاب کنند و مثل جوانان "آریاشهر" که گفتند "حکومت اسلامی نمی خواهیم"، به مردم ایران بگوید که این باید شعار شما باشد و میلیون ها نفر بیایند و بگویند، معلوم است که می توانیم قدرت را بگیریم. اما خود این حزب - اساسا - حزب این کار است. حزبی که تئوری اش را دارد. برنامه اش را دارد، استراتژی اش را دارد و باید مردم را قانع کند که می تواند ...

سیامک بهاری: چرا در سال ۸۸ این اتفاق نیفتاد؟

کاظم نیکخواه: بله، همانطور که گفتم، برای کسب این موقعیت، ما

هنوز باید گام های اساسی برداریم. در سال ۸۸ بالاخره انقلابی شد و در نیمه راه باقی ماند بخاطر اینکه هنوز این حزب نتوانسته میلیون ها نفر از بخش مؤثر جامعه را قانع کند که باید پشت سر این حزب حرکت کنند. در هر حال، در آزمون هیچ حزبی نتوانست و جمهوری اسلامی هنوز سر جایش است. بنظر من، اتفاقی که دارد در آن جامعه می افتد، این است که آن جامعه دارد گام به گام به چپ میچرخد. ما می گویم چه در آنجا دست بالا را دارد. به این مفهوم که آزادی موضوع انقلاب است. برابری موضوع انقلاب است. جدایی مذهب از دولت موضوع انقلاب است. و نفس اینکه انقلاب به

صفحه ۱۰

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدال گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



توضیح شما چیست؟ چرا "کارگری" اضافه شده و مبنایش چیست؟ دیگر مردم چه می‌شوند؟

کاظم نیکخواه: بله، من سعی کردم در همان پرسش قبلی هم این را توضیح بدهم. اساس مسئله این است که يك جریان‌های جنبش‌هایی وجود داشته‌اند اعم از ناسیونالیستی، اینکه روسیه و چین و آمریکا را صنعتی و پیشرفته کنیم و غیره و یا مثلاً فرض کنید در ایران، جنبش‌هایی که می‌گفتند سرمایه‌داری وابسته برود ولی سرمایه‌داری ملی خوب است و غیره، این نوع جریان‌ها به نام کمونیسم حرف می‌زدند ولی عملاً جریان‌های ملی، ناسیونالیستی و بورژوازی بودند. تأکید ما بر "کارگری" بودن کمونیسم، بخاطر این است که کل آن جریان‌ها موجود را، ما بعنوان جریان‌های بورژوازی می‌شناسیم و همانطور که قبلاً هم گفتم، بنام کمونیسم نمی‌شناسیمشان. اجازه بدهید اینطور بگویم که اگر جامعه سرمایه‌داری موجود را نگاه کنید، کاملاً مشخص است که اکثریت جامعه کارگران هستند. اکثریت استعمار هست، نابرابری و محرومیت هست و يك اقلیت مفتخوری هست که دارد حکومت می‌کند. بیشترین فشار روی طبقه کارگر است. کارگر تمام ثروت‌های اجتماعی را تولید می‌کند و در عین حال، پایینترین، محروم‌ترین و

صفحه ۱۱

قبل از اینها شکست خورده بود! ما گفتیم، تأکید کردیم و الآن در واقعیت دارد خودش را نشان می‌دهد که تا زمانیکه جامعه بگونه‌ای است که اکثریت مردم محرومند، تا موقعی که نابرابری وجود دارد و تا زمانیکه يك اقلیتی، ثروتی دارد که باندازه ثروت بیشتر از نود درصد افراد جامعه است، کمونیسم هم وجود دارد. و نمی‌توان از پایان یافتن کمونیسم و آزادی و برابری سخن گفت. همانگونه که امروز جنبش "وال استریت" دارد می‌گوید ما "نود و نه درصد"ی‌ها هستیم، جنبش ما هم جنبش نود و نه درصدی‌هاست. جنبش مردم محروم است. جنبش انسانها و جنبش اکثریتی است که دارد حرمتش، رفاهش و حقوقش پایمال می‌شود و تمام ثروتها را هم همین اکثریت تولید می‌کنند.

سیامک بهاری: در ادامه همین سؤال می‌خواهم مطرح کنم که حزب کمونیست کارگری يك پسوند بنام "کارگری" دارد. می‌خواهم بدانم علت آن چیست و در عین حال، همانطور که در بسیاری از سؤالاتی هم که به برنامه‌سی دقیقه می‌رسد، مطرح می‌شود، آیا این به این دلیل است که این حزب، حزب کارگران است؟ حزب دیگر مردم نیست؟ چگونه این حزب میتواند جنبش علیه جمهوری اسلامی را سازمان دهد؟ چگونه میتواند سرمایه‌داری را سرنگون کند و جمهوری اسلامی را بپاندازد؟

سرمایه‌داری‌اش دارد رشد می‌کند و دست در دست آمریکا و غرب دارد. سرکوب و دیوار آهنین و غیره هم - اتفاقاً - دیگر برایشان مسئله‌ای نیست! مسئله‌ای که ما خواستیم مطرح کنیم، این بود که کمونیسم يك چیز دیگر است. نه اینکه ما كلا يك کمونیسم جدید هستیم. آن چیزی که ما می‌گوییم، اساساً همان چیزی است که مارکس می‌گوید. لنین می‌گوید. آن چیزی است که مانیفست کمونیست می‌گوید و اساس مسئله هم این است که بالاخره، جامعه‌ای کمونیستی است که در آن کارگر و اکثریت جامعه، زیر دست اقلیتی نباشد. جامعه‌ای کمونیستی است که رفاه جامعه، آزادی جامعه و حرمت انسان‌ها، اساس و محور حرکتش باشد. جامعه‌ای کمونیستی است که آزاد باشد. برابری اساسش باشد و خوب، هیچکدام از اینها، محور و اساس "کمونیسم‌ها" موجود که در هر حال، بخشی از آنها همین چین، روسیه، آلبانی و غیره بودند، نبود. اینها جنبش‌های دیگری بودند که آمدند روی جوامعی که بالاخره يك حرکت چپ و کمونیستی در مقطعی دست بالا داشته سوار شدند و يك سرمایه‌داری دولتی آوردند. اسم این سرمایه‌داری دولتی را هم گذاشتند کمونیسم. حال داریم می‌بینیم که سرمایه‌داری دولتی شان شکست خورده و سرمایه‌داری بازار آزادشان هم در بحران است! می‌خواهم بگویم که حرکت ما و حزب کمونیست کارگری، تأکیدش را روی همین مسئله گذاشت بخاطر اینکه نشان دهد کمونیسم يك چیز دیگر است. کمونیسم اساساً يك چیز دیگر است نه آنکه ما يك چیز دیگر هستیم! کمونیسم اساساً يك چیز متفاوت از اینهاست و ما همانقدر روی آمریکا نقد داریم و همانقدر روی جمهوری اسلامی نقد داریم که روی روسیه دوره استالین، روسیه امروز و روسیه دوره های قبل، نقد داریم و داشته‌ایم. اینرا ما پس از سقوط بلوک شرق نگفتیم. از همان روز اول که این جریان و این حزب تشکیل شد، گفتیم استالین و چین و شوروی و بلوک شرق و غیره، هیچ ربطی به جامعه آزاد و برابر ندارند. بورژوازی غرب آمد و گفت کمونیسم تمام شد چون روسیه سقوط کرد و ما گفتیم کمونیسم در روسیه

در مورد حزب کمونیست کارگری

متن کوتاه شده گفتگوی تلویزیونی کانال جدید با کاظم نیکخواه

بپردازیم اما، در ادبیات حزب کمونیست کارگری ایران يك عبارتی هست که این حزب اساساً در نقد کمونیسم‌های موجود تشکیل شد و كلا کمونیسمی که غیرکارگری بود (نظیر روسیه و چین و اووو کمونیسم و غیره). شما چه توضیحی در اینمورد دارید؟ چرا حزب کمونیست کارگری ایران خودش را از اینجا تعریف میکنند؟ یعنی در نقد کمونیسم معاصر؟

کاظم نیکخواه: در واقع، آن نمونه‌هایی که شما دارید اشاره می‌کنید، کمونیسم نیستند. جنبش‌های بورژوازی و جنبش‌های سرمایه‌داری هستند که بدلیل محبوبیت کمونیسم در دوره‌های مختلف، به نام کمونیسم صحبت کرده‌اند. اما از نظر ما روشن است و فکر میکنم اگر کسی ذره‌ای کمونیسم، مارکس و این جنبش را بشناسد، متوجه می‌شود که مثلاً آن چیزهایی که در روسیه در دوره استالین، خروشچف، برژنف و بعد از اینها وجود داشت و آن چیزی که در چین وجود داشت و دارد، هیچ ربطی به کمونیسم ندارد و همینطور در کشورهای مشابه دیگر. هر چند در مقطعی هم جنبش‌های کمونیستی قدرت گرفته‌اند اما بعداً این بورژوازی بوده که تسلط یافته است. اساس مسئله این است که در هر حال، در رقابتی که بورژوازی غرب با شرق داشت، اسم اینها را کمونیسم می‌گذاشت تا كلا کمونیسم را بنام کند و بگوید کمونیسم همین دیوار آهنین است، سرکوب است، استعمار کارگر و بی‌حقوقی و غیره است. اگر دقت کنید، می‌بینید همین الآن در چین، این رقابت‌ها تا حدود زیادی کنار رفته و در نتیجه دیگر از "چین کمونیست" سخن نمی‌گویند. حال آنکه تا پانزده سال پیش یعنی دوره جنگ سرد چین را کمونیست می‌نامیدند و الآن همان حزب کمونیست، بنام حزب کمونیست در آنجا فعالیت می‌کند ولی آمریکا و انگلیس و غرب و ژورنالیسم‌شان، دیگر به آن "چین کمونیست" نمی‌گویند. می‌گویند "چین". اساساً به این دلیل که

سیامک بهاری: می‌خواستم با شما راجع به اینکه حزب کمونیست کارگری ایران اساساً چطور حزبی است، صحبت کنم. شما بعنوان یکی از اعضای رهبری این حزب، اگر بخواهید در عبارتی کوتاه بگویید حزبی که شما عضو رهبری آن هستید، چگونه حزبی است، چه توضیحی می‌دهید؟

کاظم نیکخواه: اگر بخواهیم کوتاه‌ترین تعریفی از حزب کمونیست کارگری بدست بدهیم یا آن چیزی که در نگاه اول جلو چشم من می‌آید، این است که این حزب، تجمع، تشکل و حزبی است برای ساختن يك جامعه‌ای که اساسش انسان و پاسخگویی به نیازهای انسانی باشد. اگر کسی به این دنیای موجود نگاه کند، متوجه می‌شود که محور این جوامع و کشورهای مختلف، هیچکدامشان، این نیست که بالاخره انسانهایی وجود دارند، نیازهایی دارند و این انسان‌ها در يك جامعه‌ای دارند زندگی می‌کنند و اساس این جامعه باید این باشد که مردم راحت‌تر، آزادتر و مرفه‌تر باشند و احساس احترام بکنند. اساس این جوامع سود است، قدرت يك اقلیت مفت‌خور است و غیره. حزب کمونیست کارگری ایران و كلا کمونیسم، توضیحش، محور و ماهیتش این است که این تصویر و واقعیت موجود و وارونه جوامع کنونی را تغییر دهد و سر جای خودش بگذارد. جای خودش کجاست؟ همینکه جامعه با هدف پاسخگویی به نیازهای انسانی - اساساً - درست شده است و آدم‌ها به این دلیل دور هم جمع شده‌اند. یعنی سیاست و حقوق و جهتگیری جامعه، این باشد که بهترین و در واقع تمام امکانات اجتماعی و تمام ظرفیت‌های جامعه را در خدمت پاسخگویی به نیازهای تك تك افراد آن جامعه بگذارد.

سیامک بهاری: ما به نکاتی که اشاره کردید، با جزئیات بیشتری برمی‌گردیم و امیدوارم فرصتی باشد که با اشراف بیشتری به این مسائل

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!